



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرِّسَالَاتِ
عَلَيْهِمْ سَاسَاتِ

WWW. **Ghaemiyeh** .com
WWW. **Ghaemiyeh** .org
WWW. **Ghaemiyeh** .net
WWW. **Ghaemiyeh** .ir



امریہ

معروف

ونہی

از منکر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

زمزم هدایت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
امر به معروف و نهی از منکر	۷
مشخصات کتاب	۷
مقدمه	۷
فصل اول: کلیات	۸
۱. ضرورت و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر	۸
اشاره	۸
۱.۱ رستگاری در گرو امر به معروف و نهی از منکر	۹
۲.۱ ملاک امتیازات امت اسلامی	۱۰
۳.۱ رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اسلام	۱۱
۴.۱ برترین نیکی	۱۳
۵.۱ عامل تثبیت ارزشها و ریشه کنی مفاسد	۱۵
۶.۱ امر به معروف و نهی از منکر در سیره انبیاء (علیه السلام)	۱۸
۷.۱ امر به معروف و نهی از منکر در سیره ائمه (ع)	۲۲
۲. شناخت معروف و منکر	۲۷
ضرورت شناخت معروف و منکر	۲۷
معروف و منکر در لغت	۲۸
دایره معروف و منکر	۲۸
ابراز شناخت معروف و منکر	۲۹
اشاره	۲۹
۱. فطرت	۲۹
۲. عقل	۳۲
۳. شرع	۳۲
۴. عرف و اجتماع	۳۴

فصل دوم : شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر	۳۵
فصل سوم : عوامل و زمینه های موفقیت در امر به معروف و نهی از منکر	۴۰
۱. عوامل موفقیت در امر به معروف و نهی از منکر	۴۰
اشاره	۴۰
۱- ۱. یادگیری راه رسم صحیح و مناسب	۴۰
۲- ۱. اهمیت دادن به پیش گیری	۴۱
۳- ۱. ریشه یابی و از بین بردن زمینه های منکرات	۴۲
۴- ۱. استفاده از روش های غیر مستقیم	۴۵
۱- ۵. اقدام همه جانبه	۴۶
۱- ۶. رعایت ادب و کراهت و حرمت طرف مقابل	۴۸
۱- ۷. پرهیز از سخت گیری بیجا و امید وار کردن به رحمت خدا	۵۱
۱- ۸. شروع از نزدیکان	۵۴
۱- ۹. جلب اعتماد	۵۷
۱- ۱۰. امر نهی استدلالی و منطقی	۵۸
توضیح	۵۸
۲- ۱. هماهنگی در گفار و کردار	۶۰
۲- ۲. اخلاص و تعهد	۶۳
۲- ۳. تحمل وسعه صدر	۶۵
۲- ۴. پایبندی به حدود الهی	۶۷
فصل چهارم : عوامل و عواقب بی اعتنائی به امر به معروف و نهی از منکر	۶۸
پی نوشتها	۷۲
۱ تا ۱۲۳	۷۲
۱۲۴ تا ۲۳۷	۸۰
درباره مرکز	۸۹

سرشناسه : سروش محمد، ۱۳۴۰ - عنوان و نام پدیدآور : امر به معروف و نهی از منکر / نویسنده محمد سروش محمد مقدس
نیان تهیه کننده مرکز تحقیقات اسلامی - حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه مشخصات نشر : قم زمزم هدایت ۱۳۸۳.
مشخصات ظاهری : ۱۵۹ ص. شابک : ۷۰۰۰ ریال ؛ ۱۴۰۰۰ ریال چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۶-۵۴۷-۷ : یادداشت : چاپ دوم :
زمستان ۱۳۸۶. یادداشت : کتابنامه ص ۱۵۹ - ۱۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع : امر به معروف و نهی از منکر شناسه
افزوده : مقدس نیان، محمد شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی فقیه. مرکز تحقیقات اسلامی رده
بندی کنگره : BP۱۹۶/۶ /س الف ۸ ۳۸۳۱ رده بندی دیویی : ۵۷۳۳/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : م ۳۸-۴۷۶۵۳۲

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر یک واجب مهم اسلامی است که متأسفانه هم شناخت کافی در مورد آن وجود ندارد و هم به
طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته است . حتی در جامعه اسلامی ما با این که قرآن و احکام در درجه اول اهمیت قرار دارند،
باز هم این اصل مهم مورد کم مهری و غفلت واقع شده است و توجه کافی بدان نشده است . رهبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله العالی در مورد این بیانات مهم ایراد فرموده و در جلسات متعددی و تک تک افراد جامعه
را به این امر مهم و توجه به این واجب توصیه کرده اند.

ما در این کتاب به خواست خدا نسبت به اهمیت این واجب شرایط آن عواقب و عوامل بی اعتنایی

بدان و وظیفه حکومت اسلامی بدان و... بحث خواهیم و کرد و امید داریم برادران دینی با یادگیری دقیق این مباحث در اجرای آن که ضامن فردی و اجتماعی است و کوشا باشند.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

فصل اول: کلیات

۱. ضرورت و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

انسان موجودی است اجتماعی که سرنوشتش با سرنوشت جامعه ای که در آن زندگی می کند ارتباط دارد. سود و زیان کارهایی که از انسان سر می زند هم به خود او باز می گردد و هم به جامعه متاثر می کند. علاوه بر این اعمال دیگران هم در زندگی انسان خالی از تاثیر نیست. از این رو انسان همان گونه که در اعمال و رفتار خود مسولیت دارد در برابر عملکرد افراد جامعه ای که نیز مسئول است. در بینش اسلامی یک فرد مسلمان باید پا به پای نفس خود در جهت اصلاح در جهت اصلاح دیگران نیز بکوشد. بی توجهی نسبت به اعمال و رفتار دیگران و سرنوشت دیگران در واقع بی اعتنائی به سرنوشت خویش است و اگر فساد و گناه و فحشا و منکر در جامعه شیوع یابد، آثار نامطلوب آن دامنگیر همه افراد خواهد شد و حتی مومنان و پارسیان نیز از شعله آن در امان نخواهند ماند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تبیین این رسالت و هماهنگی می فرماید:

کلکم راع و کلکم مسول عن رعیتة (۱)

همه شما سرپرست همدیگر هستید و نسبت به زیر دستان خود مسوولید.

اسلام از متعهدان خود می خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و با مشاهده گناه و فساد ساکت نمانند بلکه همواره دیگران را به خوبی امر کنند و از بدی باز دارند

تاکیدات مکرر قرآن کریم در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیان گر اهمیتی است که اسلام برای سالم سازی محیط اجتماعی و مبارزه با مفاسد و عوامل گناه قائل است .

۱.۱ رستگاری در گرو امر به معروف و نهی از منکر

و لتكن مكنكم امه يدعون الى الخير و يامرون بامعروف و ينهون عن المنكر و اولائك هم المفلحون (۲)

باید از شما گروهی باشند که دعوت به نیکی و خوبی و نهی از بدی کنند و آنان همان رستگارانند.

دقت در این آیه و آیه شریفه ای که حزب الله را رستگار معرفی نموده است الا- ان حزب الله هم المفلحون (۳) می رساند که امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی های مهم و ضروری حزب الله است و هیچ کس بدون قیام به امر به معروف و نهی از منکر نمی تواند خود را در زمره حزب الله بداند.

اما این که امر به معروف و نهی از منکر چگونه می تواند در رستگاری یک جامعه تاثیر بگذارد نیازمند توضیح است :

از تجربیات قطعی بشر این است که اندوخته های فکری بشر با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده می شود و مگر آن که پیوسته یادآوری شود و در مرحله تکرار قرار گیرد. از این جا است که پیوند عمل و علم مشخص می شود. علم انسان را به عمل راه نامی می کند و عمل شایسته بر آگاهی و بینش آن می افزاید. از این رو در یک جامعه اسلامی سالم باید برای پاسداری از معرفت و فرهنگ خویش بکوشند و نگهبان از حریم و مکتب آن باشند که متخلفین از راه نیکی را از سقوط به ورطه

هلاکت باز دارند و با امر به معروف و نهی از منکر زمینه ساز رفتار شایسته و در نتیجه تقویت کننده افکار صحیح باشند. پس بی‌اعتنایی به این رفتار پایه رفتار سست اندیشی‌های والا را در معرض فراموشی قرار می‌دهد(۴)

۲.۱. ملاک امتیازات امت اسلامی

کنتم امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون و عن المنکر و تومنون بالله ..(۵).

شما بهترین امتی بویید که برای مردم ظاهر شده است (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

در این آیه شریفه از امت اسلامی به عنوان برترین امت تمجید. سر این فضیلت امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده است. پس آن گاه لیاقت این افتخار بزرگ را پیدا می‌کند که این ارزش والا در آن حاکمیت داشته باشد و مسلمانان با احساس وظیفه مسئولیت یکدیگر را امر به خوبی و نهی از بدی کنند. هر گاه این سنت نیک در میان آنان ضعیف شد و نسبت به امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه احساس وظیفه و تکلفی در آحاد مردم وجود نداشته باشد این فضیلت و برتری را از دست خواهند داد.

عنوان خیر الامه یک لقب تشریفاتی نیست تا همه بدان افتخار و مباهات کنند بلکه عنوان مال ارزشمندی است برای امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر. پس آنان چه در عصر نزول آیه و چه پس از آن از انجام این وظیفه شانه خالی کرده اند نصیبی از این افتخار ندارند.(۶)

با توجه به این مساله و توضیحات همه مسلمانان گذشته را به وسیله این

آیه نمی توان بهترین امت دانست چه این که امام صادق (علیه السلام) فرمود: چگونه آنان که امام علی و امام حسن و امام حسین (علیه السلام) را به شهادت رسانده اند بهترین امت هستند؟ (۷) نکته جالب توجه اینکه در آیه شریفه امر به معروف و نهی از منکر در کنار ایمان به خدا قرار گرفته و این نشانه اهمیت این دو فریضه بزرگ الهی و بیانگر این است که این واجب ضامن گسترش ایمان در میان امت اسلامی است و چنان چه این دو فریضه اجرا نشود ریشه ایمان در دلها سست می گردد و پایه های آن فرو می ریزد .

۳.۱. رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اسلام

از جمله وظایفی که قرآن کریم برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر می شمارد

امر به معروف و نهی از منکر است :

خذ العفو و الامر بالعرف و عن الجاهلین (۸)

با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر به نیکی امر نما و از نادانان روی گردان باش .

الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذی یجدوبا عندهم فى التوریه و الانجیل یامرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث یضع عنهم اصرهم و الا غلال التی کانت علیهم (۹)

آنان که از رسول خدا و پیامبر امی ای پیروی کنند که در تورات و انجیل که در نزدشان است نام او را نوشته می یابند ائو ایشان را به معروف و از منکر نهی می کند و پاکی را حلال و پلیدی را حرام می گرداند و سنگینی ها و زنجیرهایی که بر ایشان بود بر می دارد.

در این آیه پنج ویژگی اساسی برای

مکتب اسلام بر شمرده می شود، که هیچ یک از شرایع گذشته دارای این امتیازها و حد امکان بوده اند.

۱. امر به معروف ۲. نهی از منکر ۳. حلال کردن پاکی ها ۴. حرام کردن پلیدی ها ۵. برداشتن غل ها.

علامه طباطبایی در این باره این آیه می نویسد:

ظاهر آیه دلالت و حداقل اشعار دارد بر این که مساله امر به معروف و نهی از منکر و خلاصه امور پنج گانه مذکور در این آیه از مختصات پیامبر اسلام و ملت بیضای او است - برای این که هر چند به شهادت قرآن کریم سایر صالح نیز به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قیام کردند و طبیات را حلال خبائث را حرام دانسته اند هر چند برداشتن موانع و غل و بندها معنوی در شریعت عیسی (علیه السلام) بوده است الا این که هیچ خردمندی تردید ندارد که دین پیامبر اسلام یگانه دینی است به امر به معروف و نهی از منکر اهمیت فراوان دارد و دعوت آنان کاری جز دعوت زبانی نبوده است به جایی رسانید و آن را آن قدر توسعه داد که با جهاد با اموال و نفس گردید تنها دینی است که در مورد همه امور مربوط به زندگی بشر و همه شئون و اعمال وی را بر شمرده و دو قسم طبیات و خبائث تقسیم و طبیات را حلال و خبائث را حرام شمرده است و دینی است که همه احکام و تکالیف شاقه ای که در سایر ادیان خصوصا در دین یهود و به دست احبار و ملایان ایشان رخنه پیدا کرده است نسخ کرد و از بین برد. پس حد

اعلا و امور پنج گانه مذکور تنها و تنها در اسلام یافت می شود. (۱۰)

از این رو فریضه امر به معروف و نهی از منکر را یکی از ملاک های برتری مکتب اسلام شمرده که به واسطه آن از آیین دیگر انبیا با ارزش تر است .

امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر آنکه از ویژگی های مکتب اسلام و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است به بیان قرآن کریم به مهم ترین آرمان های تشکیل دهنده حکومت اسلامی نیز می باشد؛

الذین ان مکانهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه و امرو بالمعروف و نهوا عن المنکر بالله علاقبه الامور (۱۱)

همان کسانی که هرگاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خدا است .

امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین برنامه هایی است که خداوند انجام آن را از پیامبرانش خواسته است و کسی که به این برنامه های الهی همت گمارد و همگام با انبیای الهی به انجام رسالت عظیم آنان پرداخته است . به تعبیر رسول خدا (علیه السلام) خلیفه خدا و رسولش خواهد شد:

و من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی الارض و خلیفه رسوله (۱۲)

۴.۱. برترین نیکی

فریضه امر به معروف و نهی از منکر در بعضی روایات دیگر و اعمال پسندیده برتر شمرده شده است . تا جایی که امیر مومنان (علیه السلام) می فرماید:

ما اعمال البر کلها الجهاد فی السبیل الله عند الامر بالمعروف و نهی المنکر

همه اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف همچون رطوبت دهان در مقایسه با دریای پهناور است .

در این بیان علوی کلیه اعمال به رطوبت دهان و امر به معروف و نهی از منکر به دریای پهناور تشبیه شده است تا عظمت این عمل در مقابل دیگر اعمال شایسته جلوه گر شود.(۱۴)

شاید سر برتری امر به معروف و نهی از منکر بر سایر عبادات و نیکی ها این باشد که قوام ، استمرار و استواری در گرو برپایی این دو فریضه بزرگ است . علاوه بر آن جهاد و مبارزه با فساد و موانع خارجی است فرد و جامعه می تواند با مبارزه با دشمن خارجی به موفقیت نایل آید که موانع و مفسد داخلی در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ریشه کن کرده باشد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

ان الامر بالمعروف و عن النہی عن المنکر فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ينتصف من الاعداد يستقیم الامر(۱۵)

امر به معروف و نی از منکر یک فریضه بزرگ الهی است که دیگر واجبات به وسیله آن تحقق پیدا می کنند و در پرتو آن راه ها امن شده و کسب ها در مسیر حلال و مشروع قرار می گیرد از ستم جلوگیری و از زمین آباد می شود و حق از دشمنان باز پس گرفته می شود امر دین و دنیا قوام می یابد.

امام حسین (علیه السلام) فرمود:

... آنها اذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کلها هینها و صعبها

ذلك ان الامر لالمعروف و النهى عن المنكر و دعاء الى الاسلام مع رد مظالم و محافظه الظالم و قسمه الفى ء و الغنائم و اخذ صدقات من مواضعها و وضعها فى حقها (١٦)

(خدا می داند) اگر امر به معروف و نهی از منکر انجام گیرد تمام واجبات الهی چه تکلیفات آسان و چه وظایف سخت به پا داشته می شود، چرا که با انجام این وظیفه همه به اسلام فرا خوانده می شوند و از ستم جلوگیری و با ستم پیشگان مبارزه می شود و به وسیله آنان غنائم و درآمدهای دیگر بیت المال عادلانه تقسیم و مالیات ها جمع آوری و به افراد مستحق پرداخت می شود.

پس امر به معروف و نهی از منکر در عرض دیگر واجبات قرار نمی گیرد بلکه عمل خیری است که به برکت آنها همه نیکی ها رشد می کند و چه بسا در اثر قیام یک امر کننده به معروف جامعه ای به سوی سعادت حرکت کند و از گرداب گناه و فساد نجات یابد.

۵.۱. عامل تثبیت ارزشها و ریشه کنی مفاسد

حرکت در مسیر هدایت از و راه امکان پذیر است :

۱. رشد معنوی با توجه به انگیزه های درونی :

انسان هایی که در جهت تقویت نیروی ایمان تلاش کرده اند و در صحنه جهاد اکبر به موفقیت و پیروزی دست یافته اند و به سرعت به سوی رفتار شایسته جذب می شوند و همان عامل درونی آنها را از بدیها باز می دارد:

ان الصلاه تنهى عن الفحشاء و المنكر (١٧)

۲. هدایت و ارشادهای بیرونی

بدیهی است که افراد جامعه را نمی توان به حال خود وا گذاشت و نیز نمی توان به این حد بسنده کرد

که هر کس خود را اصلاح کند بلکه امر به معروف و نهی از منکر با توجه به نکات زیر ضروری است :

اول : آنکه انگیزه های معنوی در همه افراد به حدی قوی نیست که آنها را در مسیر صلاح و هدایت قرار دهد و از منکرات باز دارد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر رشد معنوی در افراد به وجود آمده پرتو ایمان و نور معنویت را بر جان انسان های پاک سرشت می تاباند و رسوبات هوا و هوس را از اعماق جان و فطرت آنها می زداید.

دوم آنکه : فرمان دادن دیگران به خوبی ها اعلام حمایت از نیکوکاران و تقویت جبهه مومنان است و باز داشتن از بدی ها بهترین مبارزه در جهت تضعیف جبهه کافران می باشد و به فرموده امیر مومنان (علیه السلام):

من الامر لا معروف شد ظهور المومنین و من نهی عن المنکر ارغم انوف الکافرین (۱۸)

آن که امر به معروف می کند از مومنان پشتیبانی کرده و باعث دلگرمی و اقتدار آنان می شود و هر کس نهی از منکر می کند بینی کافران را به خاک می مالد.

در جامعه ای که امر به معروف و نهی از منکر زنده است مومن در پیمودن راه حق احساس تنهایی نمی کند بلکه افراد زشت کار خود را در غربت و تنهایی می بیند و این احساس عاملی برای رها کردن رفتار ناشایسته توسط آنان خواهد بود.

علاوه بر آن امر به معروف و نهی از منکر نقش ارزنده ای در جریان احکام و حدود الهی دارد و پشتوانه محکمی برای تثبیت ارزش ها و ریشه کنی

مفاسد اجتماعی محسوب می شود؛ تجربه نشان می دهد که در طول تاریخ پرنشیب و بر فراز اسلام هر گاه مسلمانان نسبت به هم احساس مسئولیت می کردند و ویکدیگر را به اعمال شایسته دعوت می کردند و از بدی ها باز می داشتند دیگر دستورات الهی نیز ارزش خود را در متن جامعه پیدا می کرد و گناه در جامعه کمتر رخ می داد. در غیر این صورت دیگر احکام الهی از قبل نماز روزه زکات حج و... هر روز کمرنگ تر و بی فروغ تر می گشت .

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

قوام الشریعه الامر بالمعروف والنهی عن المنکر (۱۹)

قوام و جوهره وجودی شریعت امر به معروف و نهی از منکر است .

همچنین از روایات مذکور استفاده می شود که برخلاف پندارد بعضی از مردم - که امر به معروف و نهی از منکر را در یک سلسله مسائل عبادی محدود می دانند - دایره این دو فریضه بزرگ اسلامی همه اصلاحات اعتقادی فرهنگی اخلاقی اجتماعی را در بر می گیرد.

آری به دلیل همین ارزش ها و اهمیت است که فقهای بزرگ اسلام به امر به معروف و نهی از منکر عنایت ویژه ای مبذول داشته اند آن دو را جز ابواب مهم فقهی آورده و وجوبشان را به وسیله ادله چهار گانه (کتاب سنت اجماع عقل) به اثبات رسانیده اند.

همچنین بر آنچه ذکر شد این نکته را می توان افزود که امر به معروف و نهی از منکر جز ضروریات دین مقدس اسلام هستند و هر گاه کسی از روی علم و عمد آن دو را منکر شود

کافر محسوب می گردد!

۱.۶.۱ امر به معروف و نهی از منکر در سیره انبیاء (علیه السلام)

امر به معروف و نهی از منکر اصلی است که تمام پیامبران یاد آور آن شده اند. دعوت به نیکی و باز داشتن از زشتی محور دعوت تمام انبیای الهی است و آنان سراسر دوارن نبوت را در این مسیر سپری کرده اند به فرموده امام باقر (علیه السلام):

ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصالحین (۲۰)

همانا امر به معروف و نهی از منکر سیره انبیاء و شیوه صالحان است .

قرآن کریم سند گویایی است که در آیات فراوانی به مجاهده پیامبران در راه امر به معروف و نهی از منکر گواهی می دهد. در یک نگاه گذری آیاتی که این بعد رسالت انبیاء را تعیین می کند به چهار دسته تقسیم می شود:

دسته اول : آیاتی که سیره عملی انبیاء را در مورد امر به معروف و نهی از منکر باز گو می کند. در قرآن از هدف انبیاء با تعبیرات مختلفی یاد شده است : عبادت خدا اصلاح دعوت به خدا اقامه قسط و... این تعبیرات گوناگون تفسیر از محتوای گسترده و غنی معروف در سیره آنان است . به این آیات توجه کنید:

ولقد بعثنا فی کل امه رسولا ان عبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت (۲۱)

در هر امتی پیامبری مبعوث کردیم تا اعلام کند که خدای یکتا را پرستید و از طاغوت پرهیز کنید.

در این آیه هدف بعثت هر پیامبری دعوت به عبادت خدا و پرهیز از طاغوت ذکر شده است . البته عبادت خدا همان عمل شایسته و پسندیده ای است که مهم ترین رکن معروف را تشکیل می دهد چه این که طاغوت در

غالب شرکشان و طغیان گری درونی هوای نفسشان در شکل بیدادگری بیرونی بزرگ ترین منکر است ، از این رو اجتناب از طاغوت در مراحل گوناگون آن از مراتب نهی از منکر شمرده می شود.

دسته دوم : آیاتی که مصادیق معروف و منکر را که انبیا به آن پرداخته اند تبیین می کند. بنابراین قرآن در مورد حضرت شعیب می فرماید:

و ما به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را به رسالت فرستادیم . او گفت : ای مردم ! خدای یکتا را که جر او خدایی نیست پرستش کنید و در کیلو وزن کم فروشی نکنید من خیر شما را در آن می بینم . من می ترسم از روزی که شما را اعداب سخت فرا گیرد. ای قوم ! در سنجش کیل و وزن اجناس عدالت داشته باشید و به مردم نفروشید و در زمین به فساد برنخیزید. (۲۲) من (از این امر و نهی شما) جز اصلاح تا حدی که بتوانم نمی خواهم . (۲۳)

این آیات نشان می دهد که در منطق انبیاء منکر مفهومی گسترده و مصادیق زیادی دارد. همچنین از این آیات می توان فهمید که که انبیای الهی که برای اصلاح قیام می کنند راه رسیدن به اصلاح را در چه می دانند. آنان اصلاح را در گرو مهار کردن سئد جویی ظالمانه دانست و برخورد با کسانی که قسط و عدالت را در روابط تجاری رعایت نمی کنند وظیفه خود می دانند.

بسط عدالت در جامعه هدفی است که انبیاء برای آن مبعوث شده اند:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات ليقوم الناس بالقسط (۲۴)

ولی در هر زمان عدالت با دشمنانی رو به رو

است و انبیا عهده دار مخالفت با آنان هستند؛ از این رو است که صف مقدم مخالفان پیامبران ملا و مترفین قرار دارند.

چون در عصر حضرت شعیب بیشترین گناه و فساد در جامعه از ناحیه تراز داران از راه ظلم احجاف در معامله بود این پیامبر الهی امر به معروف و نهی از منکر را متمرکز این بخش کرده بود.

در اینجا شیوه برخورد واکش مخالفان نیز که در قرآن نقل شده است جالب و قابل توجه است: آنها در جواب حضرت شعیب به مسخره می گفتند: آیا نمازت تو را امر می کند که مار را در اموالمان آن گونه که می خواهیم باز داری (۲۵)

از پاسخ حضرت شعیب به آنان فرمود: من جز اصلاح نمی خواهم روشن می شود که این گونه آزادی اقتصادی که مطلوب آنان بود با اصلاح جامعه منافات دارد و به فساد جامعه می انجامد. اگر بخواهد جایگزین شود به ناچار باید این آزادی مهار شود.

دسته سوم: آیاتی که نشان می دهد امت های گذشته نیز موظف به امر به معروف و نهی از منکر بوده اند:

ایسوا سواء من اهل المتاب الامة ... یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات (۲۶)

همه اهل کتاب یکسان نیستند گروهی از آنها... امر به نیکی و نهی از بدکاری می کنند و در نیکوکاری می شتابند.

لولا ینهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت یئس ما کانوا یصنعون (۲۷)

چرا علما و روحانیون آنان را از گفتار زشت و خوردن حرام باز نمی دارند همانا کاری بسیار زشت می کنند!

قرآن خبر می دهد که عده ای از

قوم حضرت موسی (علیه السلام) که به نهی از منکر می پرداختند از عذاب الهی رهایی یافتند و دیگران به واسطه عذاب به هلاکت رسیدند:

فلما نسوا ماتذكروا به انجینا الذین ینھون عن السواء و اخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس (۲۸)

و چون از آنچه به ایشان تذکر داده شده بود غفلت ورزیدند کسانی را که از بدی و زشتی نهی می کردند نجات دادیم و آنها که ستم کردند به واسطه فسقشان به بدترین عذاب گرفتار کردیم .

حضرت لقمان به فرزندش سفارش کرد:

یا بنی اقم الصلاه و امر بامعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک (۲۹)

فرزندم نماز را به پای دار امر به معروف و نهی از منکر کن و در مصیبتها شکیا باش .

علاوه بر آیات مزبور که بر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در امت های گذشته گواهی می داد این مطلب در این روایات نیز آمده است . برای مثال حسن بن علی بن فاضل از امام هشتم (علیه السلام) سوال می کند که چرا حواریون (۳۰) را به این نام خوانده اند؟ آن حضرت (علیه السلام) فرمود: چون آنها خود پاک بودند و با ارشاد موعظه دیگران را نیز از گناه پاک می کردند. (۳۱)

دسته چهارم: آیات که سبب هلاکت برخی از امت های گذشته را بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر می داند. از جمله :

فلولا- کان من القرون من قبلکم اولوا بقیه ینھون عن الفساد فی الارض للیلایمن انجینا منهم و اتبع الذین ظلموا ما اترفوا فیه و کانوا مجرمین (۳۲) چرا در امت های گذشته مردمی خردمند وجود

نداشتند که مردم را از فساد و اعمال زشت نهی کنند مگر آن عده کم مومنانشان که نجاتشان دادیم و ستمکاران به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزه کار بودند بدین جهت همه هلاک شدند

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل عل یلسان داود و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون * کانوا لا یتناهون عن المنکر بعلوه (۳۳)

کافران بنی اسرائیل به زیان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند؛ زیرا نافرمانی خداوند فرمودند و از حکم حق سرکشی کردند. آنها هیچ گاه از کار زشت یکدیگر را نهی نمی کردند. (۳۴)

۱.۷.۱. امر به معروف و نهی از منکر در سیره ائمه (ع)

ائمه (علیه السلام) پیوسته در دو بعد علمی و عملی بر انجام این دو فریضه مهم تاکید کرده اند.

بعد علمی (بعد شناختی)

منظور این بعد تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی و بیان ضوابط و مراتب مختلف است. روایات زیادی از آنان در این زمینه از آنان به دست ما رسیده است. برخی از این آیات را در درس های گذشته یاد آور شدیم. و به عنوان نمونه شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه بیشتر از هفتصد روایت از ائمه (علیه السلام) در این باره نقل کرده است. این تعداد روایت غیر از رایاتی است که محدث جستجوگر میرزا حسین نوری در مسند تدرک الوسائل جمع آوری کرده است.

مجموعه روایات ائمه (علیه السلام) درباره امر به معروف و نهی از منکر گنجینه ارزشمندی است که در راه اجتهاد و استنباط در طول تاریخ را اهل نظر می گشاید و زوایای گوناگون این

مساله را از دیدگاه فقه اخلاق تفسیر و... در اختیارشان قرار می دهد.

به خوبی می توان حدس زد که این بیانات نورانی و هدایت گر به دستمان نرسیده است امروز این اصل مهم اسلامی با چه تحریف ها و سو برداشت هایی رو به رو شده بود! آیا برخورد تحجر آمیز با آن نداشتیم و آن را به صورت یک اصل تعبدی و بر کنار تدبیر و تفکر رد نمی آوریم؟ یا مانند اهل حدیث بخش های مختلف آن را حذف نمی کردیم؟ و....

با طرح بحث همه جانبه امر به معروف و نهی از منکر از سوی ائمه (علیه السلام) در دوران ۲۵۰ ساله دوران امامت (بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا شروع غیبت صغری) از یک سو این موضوع حیاتی زنده نگه داشته شد و از سوی دیگر با تبیین بخش های گوناگون آن با تحلیل عمیق و اصیل عرضه شده است تحریف گران و کج اندیشان نتوانستند در آن انحرافی به وجود آورند.

بعد عملی

امامان شیعه علاوه بر بعد تحلیل علمی و ارائه مباحث امر به معروف و نهی از منکر در سیره خویش نیز اهتمام فراوان به این اصل سرنوشت ساز و حساس داشتند. در این جا به عنوان نمونه به مواردی اشاره می شود:

۱. جنگ مسلحانه برای اقامه معرفت و باز داشتن از منکر: لله

موقعیت مبارزه مستقیم به شکل مسلحانه در میدان نبرد و جنگ در دوران امامت ائمه (علیه السلام) تنها در برای حضرت علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) پیش آمد و در هر دو مقطع

تاریخی امر به معروف و نهی از منکر اصلی ترین عامل مبارزه از سوی آن پیشوایان معصوم بود.

در جنگ صفیم مردی خدمت حضرت علی (علیه السلام) رسید و تقاضای مصالحه کرد تا معاویه و یارانش به شام برگردند و حضرت نیز به همراه سپاهیان خود به عراق باز گردد. حضرت علی (علیه السلام) ضمن رد این پیشنهاد علت اصرار خود بر ادامه مبارزه را اقامه امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرد.

ان الله تبارك وتعالى لم يرض من اوليائه ان يعص في الارض و هم سكوت مدعون لا يامرون بالمعروف و لا ينعون عن المنكر فوجدت القتال اهون على يمن معالجه الاغلال في جهنم (۳۵)

خداوند از اولیای خود راضی نیست که هنگام گناه در روی زمین آنها ببینند و بدانند و ساکت باشند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند از این جهت جنگ را بر خودم آسان تر از تحمل غل های جهنم یافتم .

این بیان علوی علاوه بر آنکه فلسفه جهاد را از دیدگاه آن حضرت بیان و تشریح می کند نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر در نزد ایشان چه جایگاه والایی برخوردار است که به واسطه آن تمام مشکلات و حتی کشته شدن را باید تحمل کرد و در هیچ شرایطی نباید به ترک آن رضایت داد که نتیجه ترک آن گرفتاری در غل های جهنم خواهد بود.

امام حسین (علیه السلام) نیز فلسفه قیام خود را در برابر یزید بن معاویه امر به معروف و نهی از منکر می داند ذکر می کند و در وصیت نامه خود به

محمد بن حنفیه می نویسد:

وانی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما و انما خرجت لطلب الصلاح فی امه جدی (صلی الله علیه و آله) ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر.... (۳۶)

من از روی خود خواهی و یا برای خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری از مدینه خارج نشدم بلکه طالب مصلحت امت جدم و خواستار امر به معروف و نهی از منکر هستم .

در بین متفکران اسلامی شهید مطهری درباره پیوند و ارتباط قیام امام حسین (علیه السلام) با امر به معروف و نهی از منکر کلامی عمیق لطیف دارد وی می گوید: امر به معروف و نهی از منکر ارزش نهضت امام حسین (علیه السلام) را بالا برد امام حسین (علیه السلام) نیز ارزش امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. (۳۷)

۲. برخورد با وابستگان به دستگاه حکومت ظلم :

امر به معروف و نهی از منکر ائمه (علیه السلام) بیشتر از آن به موارد جزئی در شکل تذکر به برخی از یاران و اصحاب خود خلاصه شود بلکه آنان حساس ترین مهم ترین نقاطی را که باعث فساد و در جامعه و انحراف در دین می شد برای نهی از منکر انتخاب می کردند. برخورد امام سجاد (علیه السلام) با محمد بن مسلم زهری عالم وابسته به دستگاه حکومت اموی نمونه این مطلب است که حضرت با تازیانه امر به معروف و نهی از منکر او را تنبیه می کند:

و بدان که کمترین کتمان و حق سبک ترین باری که بر دوش داری این است که وحشت ظالم را به انس

تبدیل کردی و راه گمراهی را با نزدیکی خودت بدو و اجابت دعوت او برایش هموار کردی! وه چه می ترسم که فردای قیامت به همراه خائنان گرفتار گناه خود باشی و از این که هر چه بگیری به خاطر کمک به ظالمان مسئول آن باشی. تو مالی را که گرفتی از آن تو نیست و به کسی نزدیک شدی که که حق هیچ کس را ادا نکرده است تو هم با تقرب به او هیچ باطلی را رد نکردی. تو دوست داشتی کسی را که با خدا می جنگد. آیا چنان نیست که تو را دعوت کردند و قطبی ساختند برای چرخاندن ستم خود و تو را پل ساختند تا از آن عبور کنند و تو را نردبان گمراهی خود ساختند؟!... (۳۸)

۳. حمایت از قیام ها نهضت هایی که برای امر به معروف و نهی از منکر انجام می گرفت :

نمونه این گونه حرکت های انقلابی قیام زید بین علی بن حسین (علیه السلام) است که علمای بزرگ فلسفه قیامش را امر به معروف و نهی از منکر دانسته اند. از آن جمله شیخ مفید در او می نویسد: با شمشیر قیام می کرد و امر به معروف و نهی از منکر می کرد (۳۹)

زید بر اساس روایات و علمای بزرگ قیام خود را با اجازه امام صادق (علیه السلام) انجام داد. (۴۰)

امام باقر (علیه السلام) نیز زید را گرامی داشت و موضوع مخالفت او را علیه ظلم و ستم اموی را تایید می نمود و می فرمود:

این زید بزرگ خاندان من است و به خونخواهی آنان بر خواهد

یکی از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام) به نام حسین بن علی (معروف به شهید فخر) که در زمان امام کاظم (علیه السلام) قیام کرد به شهادت رسید گفته است: ما قیام و خروج علیه ظلم نکردیم مگر این که قبل از اقدام به اهل بیت و موسی بن جعفر (علیه السلام) مشورت کردیم و ایشان را به امر به قیام کرد (۴۲)

و وقتی امام کاظم شهید فخر را دید فرمود:

انا لله و انا اليه راجعون مضي والله مسلما صالحا صواما قواما آمرا بالمعروف ناهيا عن المنكر ما كان في اهل بيته مثله (۴۳)

ما از خداييم و به سوی خدا باز می گردیم . به خدا قسم در حالی که مسلمان ، صالح تر روزه دار، نماز شب گزار، آمر به معروف و ناهی المنکر بود از دنیا رفت و در خانواده اش ماندنی نداشت .

۲. شناخت معروف و منکر

ضرورت شناخت معروف و منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر باید معروف و منکر را شناخت و دانست چه کاری در محدوده معروف قرار دارد تا امر بدان لازم گردد و چه کاری را در محدوده منکر جای می گیرد تا نهی از آن واجب باشد. از این رو آنان که بدون شناخت صحیح از معروف و منکر دیگران را امر و نهی می کنند نه تنها خدمتی انجام نمی دهند بلکه چه بسا باعث گمراهی دیگران نیز می شوند. همچون طبیبی که قبل از شناخت درد و تشخیص بیماری به نوشتن نسخه و دارو پردازد یا راهنمایی که بدون اطلاع از راه در صدد هدایت گم شدگان باشد. از این رو فقیهان بزرگ شیعه

اولین شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را آگاهی از معروف و منکر دانسته اند. (۴۴)

معروف و منکر در لغت

راغب اصفهانی که در تبیین واژه های قرآن از تبحر و ذوق خاصی برخوردار است ، معروف و منکر را این گونه معنی کرده است : معروف به عملی گفته می شود که از راه عقل یا شرع نیکویش شناخته شده باشد و منکر به کاری گفته می شود که به واسطه عقل یا شرع نیکویش انکار شده باشد. (۴۵)

مفسر عظیم الشان طبرسی نیز مستابه همین تعریف را ذکر کرده است : مقصود از معروف همان حق است که حق عقل و شرع را بدان فرا می خواند چون آن از صحیح می شمارد برخلاف منکر که عقل و شرع از آن بیزار هستند چرا نمی توان آنها را صحیح بشمارد پس هر چه را که بتوان صحیح شمرد و جایز شمرد معروف و هر چیزی را که نتوان چنین معرفی نسبت به آن پیدا کرد منکر است. (۴۶)

مجمع البحرین نیز معروف را این گونه تفسیر نموده است : معروف نام فراگیری برای هر چیزی است که مصداق اطاعت الهی و نزدیکی به خدا و خدمت و نیکی به مردم شناخته شده است. (۴۷)

دایره معروف و منکر

از طریق توضیحات بالا روشن شود که معروف و منکر دایره وسیعی دارند و معروف تنها در معدوده عبادت و یا نیکی به مردم خلاصه نمی شود.

اسلام از باب این که نخواستہ است موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به امور معین مثل عبادت معاملات اخلاقیات و محیط خانوادگی و... محدود کند از کلمه عام معروف یعنی هر کار خیر و نیک و نقطه مقابلش منکر یعنی هر کار زشتی که استفاده کرده است. (۴۸)

پس معروف شامل همه واجبات

و همه مستحبات می شود البته امر به واجبات واجب و امر به مستحبات مستحب است چه این که منکر نیز شامل همه افعال حرام و مکروه می شود با این توضیح که نهی از محرمات واجبات ، واجب و نهی از مکروهات مستحب ، مستحب است ، چه این که منکر نیز شامل همه افعال حرام و مکروه می شود با این توضیح که نهی از محرمات واجب و نهی از مکروهات مستحب است . امام خمینی رضوان الله علیه می نویسد:

هر یک از امر به معروف و نهی از منکر به واجب و مستحب تقسیم می شود. پس هر چه از نظر عقل و شرع واجب باشد امر کردن بدان واجب است هر کاری که از نظر عقل طشت و از نظر شرع حرام باشد نهی کردن از آن واجب است و هر آنچه که انجام آن پسندیده و مستحب است امر به آن نیز مستحب و هر آنچه انجام آن مکروه و ناپسند است نهی از آن مستحب است . (۴۹)

ابراز شناخت معروف و منکر

اشاره

برای شناخت معروف و منکر چند ابزار و وسیله وجود دارد که مهم ترین آنها عبارتند از: قنطرت سالم ، عقل ، شرع ، عرف و اجتماع

۱. فطرت

خداوند ساختمان روحی انسان را به گونه ای آفریده است که او با فطرت خود زشتی و زیبایی و خوبی بدی را تشخیص می دهد. در این مرحله آگاهی به وسیله القای معلم از بیرون صورت نمی گیرد، بلکه این گونه شناخت ها از درون انسان می جوشد.

قرآن کریم نیز آیات بسیاری از تجهیز انسان به الهامات فراوان فطری سخن گفته است . برای مثال در سوره شمس به روح انسان و اعتدال آن قسم می خورد، و روحی که خداوند زشتی ها و پاکی ها را به آن الهام کرده است :

و نفس و ما سویها * فآلهما فجورها و تقویها (۵۰)

یکی از اصحاب پیامبر به نام وابصه می گوید: وقتی آیه : تعاونوا علی البر و اتقوا لا تعاونوا علی الاثم و العدوان (۵۱) نازل شد خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسیدم و خواستم از همه موارد بر و اثم سوال کنم . آن حضرت فرمود: بگویم می خواهی از چه سوال کنی یا سوال می کنی ؟ عرض کردم : بفرمایید، فرمود: آمده ای تا از نیکی و گناه پرسی سپس انگشتان خود را جمع کرد و به سینه من زد و فرمود: یا وابصه استقف قلبک استقف نفسک (۵۲)

ای وابصه از قلب خود استفتا و سوال کن و از خودت پرسی !

یعنی خداوند معرفت خوب و بد را در قلب هر بشری قرار داده است :

پس یمبر گفت استفت القلوب

گر چه مفتیشان

گوش کن استفت قلبک از رسول

گر چه مفتی برون گوید فصول

مطالعه و دقت در رفتار انسان نشان می دهد که : پاره ای از کارها را انسان انجام می دهد نه به منظور کسب سودی از آنها یا دفع زیانی به وسیله آنها بلکه صرفاً تحت تاثیر یک سلسله عواطف که عواطف اخلاقی نامیده می شود. از آن جهت انجام می دهد که معتقد است انسانیت چنین حکم می کند. فرض کنید انسانی در شرایط سخت در بیابان وحشتناک قرار گرفته است و بی آذوقه و بی وسیله هر لحظه خطر مرگ وی را تهدید می کند. در این بین انسان دیگری نیز پیدا می شود. به او کمک می کند و او را از چنگال قطعی مرگ نجات می بخشد و بعد این دو انسان از یکدیگر جدا می شوند و یکدیگر را نمی بینند سالها بعد آن فردی که روزی گرفتار شده بود نجات دهنده قدیمی خود را می بیند که به حال نزاری افتاده است به یاد این می افتد که روزی همین شخص او را نجات داده است آیا در این جا وجدان این مرد هیچ فرمانی نمی دهد؟ آیا نمی گوید که پاداش نیکی ، نیکی است ؟ آیا نمی گوید سپاسگذاری از احساس کننده واجب و لازم است ؟ پاسخ مثبت است . آیا اگر این فرد به آن شخص کمک کرد وجدان انسان های دیگر چه می گویند؟ و اگر بی اعتنا گذشت و کوچک ترین عکس العملی نشان نداد وجدان دیگران چه می گویند؟ مسلماً در صورت وجدان های دیگر او را تحسین می کنند

و آفرین می گویند و در صورت دوم ملامت می کنند و نفرین می گویند. اینکه وجدان انسان حکم می کند پاداش احسان احسان است و هم این که وجدان انسان ها حکم می کند که پاداش دهنده نیکی به نیکی را باید آفرین گفت و بی اعتنا را باید مورد ملامت و شماتت قرار داد از وجدان اخلاقی ناشی می شود و این گونه اعمال را خیر اخلاقی می گویند. (۵۳)

این گونه ارزش ها فراتر از منافع مادی است و نمی توان آنها را القای محیط تلقی کرد بلکه درکی است که انسان از اعماق روح خود دارد. از این رو قرآن کریم در مواردی از فطرت انسان و وجدان اخلاقی او سوال می کند سوالاتی که هیچ انسانی نمی تواند بدون پاسخ بگذارد:

هل جزاء الاحسان الا احسان (۵۴)

آیا جزای نیکی جز نیکی است ؟

۲. عقل

عقل نیز در وجود هر انسانی روشنگر راه و هادی او به سوی کمال است و آدمی می تواند در پرتو این نعمت های گرانبها بسیاری از خوبی ها و بدها را بشناسد از بدها انترا کند و به خوبی گرایش یابد. قرآن کریم از قلوب کسانی که به راهنمایی های عقل خویش کش ندادند و جهنمی شده اند می فرماید:

لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحاب السعير (۵۵)

اگر گوش شنوا داشته باشیم و یا تعقل می کردیم در میان دوزخیان نبودیم .

علاوه بر این ده ها آیه از قرآن کریم با عباراتی از قبیل افلا تعقلون یا لعلکم تعقلون و... در صدد هشیار سازی مردم و توجه دادن آنها به این سرمایه گرانبها است .

۳. شرع

علاوه بر عقل و فطرت شرع نیز در شناخت خوبی و بدی به کمک انسان می آید هیچ کس در تشخیص خوب و بد کارها و ترسیم برنامه کلی برای زندگی نمی تواند خود را بی نیاز از دین بداند، زیرا:

اول اینکه ترسیم یک طرح کلی تمام مسائل شخصی انسان را در بر می گیرد و منطق بر مصالح زندگی بشر باشد تنها با احاطه بر مجموع مصالح زندگی امکان پذیر است و چنین احاطه ای برای بشر میسر نیست . البته برخی از دانشمندان ادعای خود کفایی عقل را در راه یافتن راه سعادت مطرح کرده اند ولی جای این سوال از آنها است که آیا در جهان دو فیلسوف یافت می شوند که در پیدا کردن این راه وحدت نظر داشته باشند؟ خود سعادت که هدف نهایی و اصلی است یکی از ابهام آمیزترین مفاهیم است

این که سعادت چیست و با چه چیزی محقق می شود شقاوت چیست و عامل آن کدام است هنوز به صورت یک مجهول مطرح است چرا که بشر هنوز استعدادهایش ناشناخته است و مگر بدون شناختن بشر می توان درباره سعادتش نظر داد؟

دوم اینکه انسان موجودی است اجتماعی و زندگی اجتماعی هزاران مشکل و برایش به وجود می آورد که باید همه آنها را حل و تکلیفش را در مقابل همه آنها روشن کند و چون موجودی است اجتماعی سعادتش ، آرمانهایش ، ملاک های خیر و شرش و... با سعادت ها آرمان های خیر و شر دیگران آمیخته است و نمی تواند راه خود را مستقل از دیگران برگزیند. از این جهت باید سعادت خود را در مسیری جست و جو کند که جامعه را به سعادت و کمال برساند.

سوم انسان زندگی جاوید دارد و نباید خوبی ها و بدها را تنها در مسیر زندگی دنیا در نظر بگیرد. لذا قضاوت در مورد زشتی و زیبایی هر کاری باید آثار آن را در باره روح جاودانه خود و زندگی پس از مرگ نیز در نظر داشته باشد و روشن است که عقل نسبت به آن زندگی هیچ گونه تجربه ای ندارد. (۵۶)

هر یک از دلایل سه گانه بالا- برای اثبات این مطلب کافی است که برای شناخت معروف و منکر علاوه بر عقل به شرع نیز نیازمندیم و البته به حکم آنکه اسلام آخرین دین و کاملترین شریعت است برای تمام زوایای زندگی بشر دستورات و تکالیفی را به عنوان باید و نباید مشخص کرده است که لازم است در امر به معروف و

نهی از منکر آنها را در نظر داشت .

۴. عرف و اجتماع

برای آنان که دارای موقعیت اجتماعی هستند معروف و منکر علاوه بر معیارهای عقلی و شرعی معیارهای اجتماعی و عرفی نیز دارد. افرادی که در جامعه به عنوان مظهر دین و منادی تقوا شناخته می شوند و همچنین کسانی که احترام و آبروی آنان به حیثیت نظام اسلامی پیوند خورده است در رفتار خود باید علاوه بر دستورات کلی اسلام به حفظش اعتقادات دینی مردم نیز توجه داشته باشند. به عنوان مثال پوشیدن بسیاری از لباس ها برای عموم مردم خلاف شرع تلقی نمی شود ولی پوشیدن همان لباس برای یک روحانی زشت و زننده است چه این که بسیاری از اعمال برای بسیاری از، توده مردم محذوری ندارد ولی برای کسی که لباس فرم نظامی به تن کرده است دو را توقع و انتظار است . در شیوه رانندگی و پوشش آرایش و خوراک و... مثال های فراوانی در این باره می توان یافت .

از این رو در بسیاری از کشورها برای کسانی که لباس فرم به تن می کنند و به عنوان مامور دولتی به فعالیت اشتغال دارند انجام برخی از کارهای قانونی ممنوع تلقی می شود تا بدین وسیله به حیثیت و اعتبار آن نظام خدشه وارد نشود.

در فقه اسلامی نیز علاوه بر عدالت که دوری از گناه را می طلبد مروت نیز برخی آن را در امام جماعت شاهد قاضی و مانند آنها به عنوان لزوم و احتیاط شرط کرده اند.(۵۷)

به هر حال از هر کاری که بهانه دست دیگران می دهد تا نسبت به اسلام و یا نظام اسلامی خرده

گیری کنند - هر چند آن کار منکر شرعی هم نباشد - باید اجتناب کرد چرا که حفظ حیثیت اسلام و نظام اسلامی بر همه واجب است .

فصل دوم : شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱- شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است که بدون آن امر و نهی واجب نمی شود. از جمله این شرایط شناخت معروف و منکر احتمال تاثیر اصرار بر گناه و مانند آن است

۱-۱. شناخت معروف و منکر

آیات بسیاری از قرآن کریم بر شرط و آگاهی برای انجام تکالیف از جمله امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد از آن جمله آیات زیر:

و لا تقف ما لیس لک به علم (۵۸)

از آنچه بدان آگاهی نداری پیروی نکن .

حضرت امیر نیز رد بیانی به همین مضمون می فرماید:

ما حی حرکه الا و اتن محتاج فیها الی معرفه (۵۹)

در هیچ کاری از شناخت و معرفت بی نیاز نیستی .

حضرت ابراهیم (علیه السلام) وقتی می خواهد پدرش (۶۰) را از بت پرستی نهی کند و باز دارد می فرماید:

یا ابت انی قد جانی من العلم ما لم یاتک فایعنی اهدک صراطا سویا (۶۱)

ای پدر به من علمی رسیده که به شما نرسیده است پس از من پیروی نما تا تو را به راه راست هدایت کنم .

و خداوند به پیامبرش امر می کند که :

قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی (۶۲)

بگو این راه من است . من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم .

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

صاحب الامر بالمعروف يحتاج الى

ان يكون عالما بالحلال و الحرام (۶۳)

آمر به معروف در کار خود به شناخت حلال و حرام نیازمند است .

انما هو على القوى المطاع العالم بالمعروف و من المنكر (۶۴)

این تکلیف فقط بر عهده کسانی است که توانمند (توانایی علمی و عملی) اطاعت شونده و دانای به معروف و منکر باشند.

امام با آوردن واژه انما این تکلیف را فقط بقر عهده صاحبان این شرط می گذارد و این امر با عمومی بودن این تکلیف که قبل از این ذکر شد مافات ندارد؛ زیرا علم و معرفت دارای مراتب و مراحل است و مراتب ابتدایی آن در نزد عموم افراد مسلمان است با توجه به آن مراتب پایین امر به معروف و نهی از منکر را عهده هر مکلفی بر می آید و ثانیاً تحصیل شرط علم بر افراد مسلمان واجب است و لازم است و آنان باید این شناخت در تحصیل و در خود ایجاد کنند.

کسی که می خواهد در این زمینه به وظیفه خود عمل کند به دو گونه آگاهی نیاز دارد:

الف : شناخت معروف و منکر

او باید بداند چه فعلی واجب و مستحب و و معروف چه فعلی حرام و یا مکروه و منکر است .

ب (شناخت رفتار کسی که می خواهد او را امر و نهی کند: لله

یعنی باید بداند آنچه را که دیگری ترک کرده است معروف است تا امر بر آن لازم باشد و نیز باید بداند آنچه را مرتکب شده است منکر است تا نهی از آن لازم باشد. (۶۵)

از طرف دیگر آنان که عمل خلاقی را مرتکب می شوند چند گروهند:

۱. گروهی با علم و آگاهی به

ترك معروف و يا انجام منكر اقدام می کنند به عنوان مثال با این که می دانند نماز واجب است این وظیفه را انجام نمی دهند. امر به معروف و نهی از منكر این گروه لازم است .

۲. و گروهی که اطلاع از حکم الهی ندارند و بدین جهت گناه می کنند مثل کسی که از روی بی اطلاعی از وجوب نماز آیات آن را ترك کرده است . امر به معروف و نهی از منكر چنین شخصی نیز لازم است . البته بهتر است که ابتدا او را ارشاد نماید و اگر دید بر ترك آن عبادت اصرار دارد امر و نهی نماید. (۶۶)

۳. گروهی که حکم الهی را می دانند ولی به گناه بودن مورد خاصی که بدان اشتغال دارند توجه ندارند: گوشت مردار را نباید خورد ولی چون از مردار بودن این گوشت بی خبر است آن را می خورد یا این که می دانند نماز واجب است ولی به واسطه غفلت یا فراموشی آن را ترك کرده است . در این جا امر به معروف و نهی از منكر لازم نیست چه این که رفع غفلت و فراموشی لازم نیست .

امر کننده به معروف و نهی کننده از منكر باید علاوه بر شناخت معروف و منكر شرایط امر به معروف و نهی از منكر موارد وجوب و عدم وجوب و جواز و عدم جواز آن را نیز یاد بگیرد تا مبادا به واسطه نادانی امر به معروف و نهی از منكر خود مرتكب خلافی شود. (۶۷)

۲- ۱. احتمال تاثیر

امر به معروف و نهی از منكر از تکالیفی است که برای واجب شدن آن

احتمال تاثیر کافی است و لازم نیست مکلف علم قطع به تاثیر داشتن پیدا کند. این تکلیف تنها زمانی ساقط می شود که ما قطع یقین بر بی فایده بودن امر و نهی داشته باشیم و چنین فرضی واقعا نادر می باشد. خداوند می فرماید:

لعله يتذكر او يخشى (۶۸)

شاید او متذکر شود یا از خدا بترسد.

المحتسب من نصبه الامام او نائبه للنظر في احوال الرعيه و الكشف عن امورهم مصالحهم (۱۲۸)

محتسب فردی است که از طرف امام یا از طرف نائب او به منظور بررسی وضع مردم و رسیدگی به امور آنان نصب می شود.

بین محتسب که مامور بررسی امر به معروف و نهی از منکر است با دیگر مسلمانان که به امر به معروف و نهی از منکر می پردازند از جهاتی تفاوت وجود دارد:

۱. محتسب با توجه به مسئولیتی که از سوی حاکم مسلمانان پیدا کرده است امر به معروف و نهی از منکر برای او واجب عینی شمرده می شود ولی برای دیگران واجب کفایی است .

۲. محتسب برای انجام این وظیفه نسب شده است ولی دیگران منصوب نیستند.

۳. محتسب با توجه به حکم ماموریت خود حق دارد پیرامون منکرات علنی به تحقیق پردازد و عوامل آن را مورد بررسی قرار دهد در حالی که دیگران تنها به امر و نهی بسنده می کنند.

۴. محتسب حق تعزیر گناهان و تنبیه بدنی او را ندارد و دیگران چنین اجازه ای ندارند.

۵. محتسب می تواند در مقابل انجام مسئولیت های محوله از بیت المال حقوق دریافت کند. (۱۲۹)

اینک این سوال مطرح می شود که اگر مامورین حکومت به وظیفه خود عمل نکردند و رسالت امر

به معروف و نهی از منکر را به خوبی انجام ندادند مسلمانان چه وظیفه دارند؟ آیا آنان فقط باید به امر و نهی با زبان بسنده کنند؟ یا اجازه دارند که خود با برخورد با منکرات قیام نمایند؟ رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت آیت امام خمینی رضوان الله علیه در وصیت نامه خود وظیفه امت حزب الله را تبیین نموده اند:

از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالفت با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود هم مسئول می باشند و مردم و جوانان حزب حزب الهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نموده به دست گاه های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف بر جلوگیری هستند. (۱۳۰)

فصل سوم : عوامل و زمینه های موفقیت در امر به معروف و نهی از منکر

۱. عوامل موفقیت در امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

موفقیت در انجام امر به معروف و نهی از منکر در گرو رعایت نکات فراوان است . در این درس برخی از آنها را بیان می کنیم .

۱-۱. یادگیری راه رسم صحیح و مناسب

قرآن کریم به ما دستور می دهد که وقتی خواستید وارد خانه بشوید از آن در وارد شوید:

واتوا البيوت من ابوابها (بقره ۱۸۹)

آیه قرآن در صدد بیان یک حقیقت کلی است که راه موفقیت در آن هر عملی را نشان می دهد. امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید: یعنی هر کاری را از راهش وارد شوید. هر عملی را از آن سو که باید انجام دهید. (۱۳۱) و حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

من طلب الامر من وجه لم يزل فان زل لم تخذله الحيله (۱۳۲)

هر کس که کار را از راهش بخواهد نمی لغزد و اگر هم بلغزد چاره ای برایش خواهد بود.

در امر به معروف و نهی از منکر نیز قبل از هر اقدامی باید اندیشه کرد و شیوه صحیح را با توجه به ویژگی های فرد گناهکار و نوع خطا پیدا نمود. برای مثال ، در برخورد با گناهی که زاتو سر زده است پیرامون این سوالات باید فکر کرد:

- موضع گیری فردی کافی است یا باید با هماهنگی دوستان و خانواده عمل کنیم ؟

- ارشاد زبانی لازم است یا اقدام عملی ؟

- از زبان تشویق استفاده کنیم یا از زبان تهدید؟

وقتی که راه منطقی و ثمر بخش امر به معروف و نهی از منکر را یافتیم باید به ادای تکلیف و انجام وظیفه پردازیم .

۲-۱. اهمیت دادن به پیش گیری

در پزشکی پیش گیری و بهداشت را در درمان و معالجه مقدم می دارند. در بیماری های روحی و اخلاقی نیز چنین است .

ممکن است عده ای عده ای گمان کنند تا وقتی که منکر اتفاق نیفتاده است و شخص دچار

گناه نگردیده است نسبت به او وظیفه امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد و این تکلیف تنها بعد از وقوع جرم برای دیگران پیدا می شود در حالی که از نظر فقه اسلامی از زمانی که آثار و علامت هایی وقوع جرم را مشاهده می کنیم و حتی از موقعی که به تصمیم گناهکار آگاه می شویم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به عهده ما خواهد بود.

حضرت امام خمینی سلام الله علیه در تحریر الوسیله فرموده است :

اگر شخصی بداند که فردی قصد انجام کار حرامی را دارد احتمال دهد که (نهی از منکر) تاثیر دارد واجب است نهی از منکر کند. (۱۳۳)

۳-۱. ریشه یابی و از بین بردن زمینه های منکرات

انسان موجودی مرکب از عقل و شهوت است و به واسطه همین ترکیب هم این زمینه عروج به کمالات در آن وجود دارد و هم سرپیچی و گناه از او دور از انتظار نیست . شرایط اجتماعی و محیط در ظهور و بروز این زمینه ها تاثیر گوناگونی دارد. گاه در شرایطی تخم عصیان آماده ریختن می شود و محصول فساد و تباهی درو می گردد. و گاه با تقویت استعداد های الهی محصول فضیلت و انسانیت به بار می نشیند.

به هره حال منکرات از یک سو در نابسامانی های گناهکار ریشه دارد و از طرف دیگر شرایط خارجی به فعال بودن آن ریشه ها و بذر افشانی ها در آن زمینه کمک می کند از این رو ریشه کن ساختن منکر بدون توجه به عوامل اصلی بروز گناه امکان ندارد.

شناسایی اوامل بروز فساد در عوامل و ابعاد گوناگون فرهنگی اجتماعی و اقتصادی و از بین بردن آنها

راه مبارزه با فساد است در بررسی عوامل و علل بروز منکرات پیش از این را همه شاهد عوامل زیر هستیم :

۱. جهالت و نادانی

۲. ضعف ایمان

۳. بی بصیرتی

۴. بی عدالت و تبعیض

۵. فقر و تنگدستی

۶. بیکاری

۷. نابسامانی های خانوادگی

۸. دوستان نا اهل

کسانی که دل در گرو ارزش های اسلامی دارند و به دنبال ریشه کنی منکرات دارند باید در درجه اول با ایجاد زمینه مناسب مبارزه های سرسخت و مناسب و گسترده بی امان و عوامل فوق را طرح ریزی کند. تعمیق بینش ها و باورهای با دعوت و تبلیغ صحیح عاقلانه مبارزه با بی عدالتی و گستردن قسط و عدالت در پهنه کشورهای اسلامی پرورش دادن روحیه کار و دانش و کوشش ایجاد زمینه های رشد تولید و ایجاد اشتغال تهیه سر گرمی مناسب امکانات تفریحی و اقدامات دیگر در این راستا بهترین و مناسب ترین راه مبارزه با فساد و منکرات است .

به عنوان مثال یکی از منکراتی که همیشه در جامعه روح مومنان را می آزارد فحشا و روابط نامشروع زن و مرد است . راه اصولی برای مبارزه با این منکر رواج دادن فرهنگ ازدواج و فراهم آوردن امکانات لازم برای سامان دادن به افراد مجرد است . باید به یک بسیج دولتی و همگانی و مردمی با این معضل و مشکل اجتماعی مبارزه کرد و با سامان دادن به زندگی و فراهم آوردن زمینه های مناسب ازدواج جوانان را از مجرد رهانید و آنها را در حصن امن و امان زندگی زناشویی وارد ساخت قرآن به عنوان کتاب هدایت و سعادت فرمان بسیج همگانی برای ازدواج را صادر کرده

است . در سوره نور که عفت و پاکدامنی است بعد از دستور و عفت و خوداری از چشم چرانی می فرماید:

* و انکحوا الایامی منکم الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم (۱۳۴)

مردان و زنان بی همسر خود را همچون غلامان کنیزان شایسته و صالح را همسر دهید اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند از فصل خود آنها را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است .

این آیه به همه افراد جامعه اسلامی دستور می دهد که نسبت به زنان و مردان مجرد احساس مسئولیت کنند و با فراهم آوردن زمینه های ازدواج مجرد را که فساد زا است از بین ببرند.

نمونه نهی از منکر در این زمینه عمل حضرت لوط (علیه السلام) است . ایشان در بین گروهی فاسد زندگی می کردند که به عمل شنیع همجنس گرایی مبتلا- بودند و این بزرگوار آنان را از این عمل زشت نهی می کرد. در یک صحنه ملائکه در صورت جوانانی بر ایشان وارد شدند. گروهی از مردم فاسد شهر خبر دار شدند و با حرص و ولع برای رسیدن به مقصود شوم خود به سوی خانه لوط هجوم آوردند لوط پیامبر به نهی آنان اقدام فرمود:

و جاءه قومه یهرعون الیه من قبل کانوا یعلمون السیئات قال یا قوم هولاء بناتی هن اطهر لکم فاتقوا الله و لا یخزنون فی ضیفی (۱۳۵)

قوم او به سرعت به سوی خانه او هجوم آوردند و قبل از آن کارهای بد انجام می دادند لوط گفت : این دختران من برای شما پاکیزه ترند (با

آنان نکاح کنید و از طریق صحیح نیاز خود را برطرف سازید) از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانانم رسوا نکنید.

آن حضرت برای موثر شدن نهی خود راه صحیح را به آنان نشان داد و با ارائه همسرانی پاک آنان را از ارتکاب به زشتی باز داشت . خداوند با بیان این سخن لوط به مومنان راه می نماید که نباید در نهی از منکر فقط مومنانم را از ارتکاب حرام نهی کرد بلکه باید همراه و ضمن آن که راه حلال را به آنان نشان داد و امکانات حلال را برایشان فراهم ساخت .

۴- ۱. استفاده از روش های غیر مستقیم

امر به معروف و نهی از منکر چه با زبان و چه با عمل به دو صورت انجام می گیرد: مستقیم و غیر مستقیم

در روش مستقیم به طور مستقیم و صریح به معروف و یا از منکر نهی می شود برای مثال برای امر به معروف به فردی می گوئیم : فلان عمل واجب را انجام دهید.

اما در روش غیر مستقیم در لابلای گفتار به او تفهیم می شود که فلان کار معروف و پسندیده را باید انجام دهد مثلاً بدون این که متوجه شود که او را مورد خطاب قرار داده اند از فردی که آن وظیفه واجب را انجام داده است تعریف می شود.

بدون شک روش دوم تاثیر بیشتری خواهد داشت . نمونه استفاده از این روش غیر مستقیم شیوه امام حسن و امام حسین (علیه السلام) است که در این نقل تاریخی آمده است :

امام حسن و امام حسین (علیه السلام) در حالی که هر دو طفل بودند به پیرمردی که مشغول وضو گرفتن

بود برخورد کردند و دیدند که وضوی او باطل است . این دو بزرگوار که به رسم و روش اسلام آگاه بودند متوجه بودند که زا یک طرف پیرمرد راه آگاه کنند که وضویش باطل است و از طرف دیگر اگر به طور مستقیم به او بگویند که وضویت باطل است شخصیت او جریحه دار می شود و اولین واکنشی که نشان می دهد این است که می گوید نه خیر همین طور درست است بنابراین جلو رفتند و گفتند: ما هر دو می خواهیم در حضور شما وضو بگیریم . ببینید کدامیک از ما بهتر وضو می گیریم . او پذیرفت .

امام حسن (علیه السلام) یک وضوی کامل را در حضور او گرفت . بعد امام حسین (علیه السلام) این کار را انجام داد. تازه پیرمرد متوجه شد که وضوی خودش نادرست بوده است بعد گفت : وضوی هر دو شما درست است وضوی من خراب بود.

آنها این طور از طرف اعتراف گرفتند، حالا اگر در این جا می گفتند: پیرمرد خجالت نمی کشی ؟ با این ریش سفیدت هنوز وضو گرفتن بلد نیستی ؟ او از نماز خواندن هم بیزار می شد! (۱۳۶) حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

تلویح زله العاقل له من امض عتابه (۱۳۷)

لغزش عاقل ار با کنایه به او تذکر دادن از مهم ترین شیوه های توبیخ است .

۱-۵. اقدام همه جانبه

امر به معروف و نهی از منکر ابراز گوناگونی دارد که در هر مورد براساس شرایط و اوضاع و احوال می توان از آنها بهره گرفت : تنبیه و تشویق ، زبان قلم ، آشتی و

موفقیت جامعه اسلامی برای دعوت به خوبی ها و جلوگیری از بدی ها در گرو آن است که از شیوه های گوناگون به صورت هماهنگ استفاده شود و اگر تنها به دعوت لفظی و امر و نهی زبانی بسنده کند بهره لازم را نخواهد برد. از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است :

ما جعل الله بسط اللسان و كف اليد لكن جعلهما يبسطان معا و يكفان معا (۱۳۸)

خداوند زبان را گشوده و دست را بسته قرار نداده است بلکه خداوند خواسته است که هر دو گشوده و یا هر دو بسته باشند.

پس در کنار شیوه های گفتاری باید از شیوه های رفتاری نیز برای جلوگیری از منکرات کمک گرفت چرا که با زبان نمی توان همه عوامل فساد را آفرین غلبه کرد. شیخ مفید می گوید:

در دوران ولایت امیر مومنان (علیه السلام) به آن حضرت خبر رسید که فردی استمنا کرده است حضرت دستور داد: به دست او زدند تا حدی که قرمز شد سپس سوال کردند: متاهل است یا مجرد؟ عرض شد: مجرد است. فرمود: ازدواج کند. عرض شد به واسطه فقر امکان ازدواج برای او امکان ندارد حضرت پس از آنکه خواست از او توبه کند وسائل ازدواج او فراهم آورد و مهریه همسرش را نیز از بیت المال پرداخت. (۱۳۹)

از این سیره امام می فهمیم که برای اصلاح جامعه و جلوگیری از مفسد نه می توان نه می توان از تنبیه چشم پوشی کرد و نه باید به آن بسنده کرد بلکه باید با شناخت ریشه انحراف در صدد اصلاح همه جانبه بر آمد.

به مطالعه زندگی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیه السلام) می توان ادب در امر به معروف و نهی از منکر را آموخت. اینک نمونه ای از ادب امام صادق (علیه السلام) در امر به معروف و نهی از منکر:

به دستور منصور صندوق بیت المال را باز کردند و به هر کسی چیزی می دادند شقرانی یکی از کسانی بود که برای دریافت مالی از بیت المال آمده بود ولی چون کسی او را نمی شناخت وسیله ای پیدا نمی کرد تا سهمی برای خود بگیرد شقرانی را به اعتبار این که یکی از اجدادش برده بوده است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را آزاد نموده است و وی آزادی را از او به ارث برده است مولی یا رسول الله می گفتند؛ یعنی آزاد شده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و این به نوبه خود افتخار و انتسابی برای شقرانی محسوب می شد. از این رو خود را وابسته به خاندان رسالت می دانست. در این بین که چشم های شقرانی نگران آشنا و وسیله ای بود تا سهم خودش را از بیت المال بگیرد امام صادق (علیه السلام) را دید جلو رفت و حاجت خویش را گفت: امام رفت و طولی نکشید که امام رفت و طولی نکشید که سهم شقرانی را گرفت و با خود آورد همین که آن را به دست شقرانی داد با لحنی ملاطفت آمیز این جمله را به شقرانی گفت: کار خوب از هر کسی خوب است ولی از تو واسطه

انتسابی که با ما داری و تو ار وابسته به خاندان رسالت می دانند خوبتر و زیباتر است و کار بد از هر کس بد است ولی از تو به خاطر همین انتاسب زشت تر و ناپسندتر است . امام صادق (علیه السلام) این جمله را فرمود و گذشت .

شقرانی با شنیدن این جمله دانست که امام از سر او یعنی شراب خواری آگاه است و از این که امام می دانست او شراب خوار است به او محبت کرد و در ضمن محبت او را متوجه عیش کرد پیش وجدان خود شرمسار شد و خود را ملامت کرد.(۱۴۰)

دوری از سرزنش از جمله آدابی است که بر تاثیر امر به معروف و نهی از منکر می افزاید و از این رو در دستورات اخلاقی اسلامی از ما خواسته اند تانسبت به گناهکاران زبان سرزنش نداشته باشیم امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

آخرین وصیتی که حضرت حضر به موسی (علیه السلام) کرد این بود که هیچ گاه کسی را به خاطر گناهانش ملامت نکن . (۱۴۱)

شایسته است انسان قبل از امر به معروف و نهی از منکر به فراخور موقعیت اجتماعی شنونده قدری او را تمجید کند و روی نکات مثبت اخلاقی ملی خانوادگی اخلاقی انقلابی و شغلی و... او تاکید ورزد؛ به عنوان مثال با عباراتی از قبیل : شما فرد متعهدی هستید، شما از سرمایه های این مملکت هستید، شما دانش آموزان و دانشجویان درس خوان و موفقی هستید، شما فرزند یا برادر شهید هستید و بر گردن همه ما حق دارید، شما به خانواده ای اصیل و نجیب وابسته اید

و... بکوشید تا به او کراهت بخشید و جایگاه او را در نقطه بلندی از عزت و فضیلت تثبیت کنید آن گاه با لحنی ملایم و دلنشین او را از منکر باز دارید و به معروف دعوت کنید.

نکته قابل توجه در این زمینه برخورد با کسانی است که اعمال خلاف و باطل را از روی اعتقاد و تقدس انجام می دهند و در این موارد باید اول استدلال متین پایه های اعتقادی آنان را در هم ریخت قبل از ویران کردن بنیان اعتقادی آنان باید از توهین به مقصدشان به شدت خود داری کرد. رهنمود قرآن در این زمینه چه زیبا و هشدار دهنده است :

و لا تسبواالذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم کذلک زینا لكل امه علیهم (۱۴۲)

به معبود کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید! مبدا آنان نیز از روی ظلم (جهل) به خدا دشنام دهند! ما این چنین عمل هر قومی را نزدشان زینت دادیم .

در جنگ صفین زبان برخی از سپاهیان حضرت علی (علیه السلام) زبان به دشنام لشکر معاویه گشودند. امام (علیه السلام) ضمن منع آنان این عمل را فرمود:

انی اکره لکم اتن تکونوا سبابین و لکنکم لو وصتهم اتعمالهم ذکرتم حالهم کان اصوب فی قول ابلغ فقی العذر (۱۴۳)

من برای شما نمی پسندم که فحاشی و بد زبانی کنید لکن اگر به جای توهین و بد زبانی ناسزاگویی اعمال ناشایست آنان را توصیف کنید واحوال ایشان را باز گو کنید به ثواب نزدیک تر و عذر آوردن مفیدتر است .

منظور امام علی (علیه السلام) این است اگر چه لشکریان

دشمن به خطا رفته است و در زیر پرچم کفر قرار گرفته است و بر ضد امام خویش قیام کرده اند لکن با همه این ها اهانت کردن به آنان مشکل گمراهی آنان را حل نمی کند و موجبات هدایتشان را فراهم نمی سازد ولی اگر عاقبت سرکشی بر ایشان تشریح شود چه بسا کسانی متنبه هدایت شوند.

۱-۷. پرهیز از سخت گیری بیجا و امید وار کردن به رحمت خدا

برای دعوت به خوبی ها و جلوگیری از بدی ها باید ظرفیت طاقت و توانایی افراد را در نظر گرفت . برای جذب آنها به اره مستقیم و صراط هدایت از سخت گیری های بیجا که مورد نظر اسلام نیست دوری کرد. چه بسا پافشاری به انجام یک امر مستحب باعث شود فردی از واجبات هم صرف نظر کند. چه بسا اصرار بر ترک یک مکروه فردی را به انجام محرمات سوق دهد.

به این روایت تاریخی بنگرید تا آثار منفی سخت گیری را در آن بنگرید:

دو همسایه که یکی مسلمان و دیگری نصرانی است گاهی با هم در مورد اسلام سخن می گفتند مسلمان آن قدر از اسلام تعریف کرد که همسایه نصرانی او به اسلام گروید و اسلام را پذیرفت .

شب فرا رسید سحرگاه نصرانی تازه مسلمان دید در خانه را می کوبند با نگرانی پرسید: کیستی ؟ همسایه مسلمان خود را معرفی کرد و گفت : زود وضو بگیر و جامه ات را بپوش تا برویم مسجد برای نماز. تازه مسلمان برای اولین بار وضو گرفت و روانه مسجد شد هنوز تا طلوع صبح خیلی باقی بود آن قدر نماز خواندند که موقع نماز صبح فرا رسید. نماز صبح را خواندند و مشغول دعا و

تعقیب شدند تا هوا روشن شد. تازه مسلمان حرکت کرد تا به منزلش برود رفیقش گفت : کجا می روی ؟ مدتی صبر کن و تعقیب نماز را بخوان تا خورشید طلوع کند. پس طلوع خورشید وقتی تازه مسلمان درخواست تا به منزلش برود رفیق قرآنی را به او داد تا بخواند و به او گفت : حالا مشغول خواند قرآن شو تا خورشید بالا بیاید توصیه من این است که امروز نیت روزه کنی نمی دانی روزه چه قدر ثواب دارد؟ کم کم نزدیک ظهر شد و او را دعوت کرد تا برای نماز ظهر بیاید سپس او خواست تا صبر کند و در وقت فضیلت نماز عصر آن را به جا آورد و بعد به او گفت : چیزی از روز باقی نمانده است بهتر است برای نماز مغرب را هم بخوانیم . هنگامی که تازه مسلمان می خواست برای افطار برود به او گفت : یک نماز بیشتر باقی نمانده است و آن هم نماز عشا است صبر کن . پس از یک ساعت نماز عشا را هم خواندند و برگشتند شب دوم هنگام سحر بود که تازه مسلمان باز صدای در را شنید که می کوبند پرسید کیست ؟ جواب داد من همسایه هستم وضو بگیر تا به مسجد برویم تازه مسلمان در پاسخ گفت : من همان دیشب که از مسجد برگشتم از این دین استعفا دادم برو یک آدم بیکارتر از من پیدا کن که کاری نداشته باشد و وقت خود را بتواند در مسجد بگذراند. من آدم فقیر و عیالوارم باید دنبال کسب و کار بروم .

امام صادق

(علیه السلام) بعد نقل این حکایت برای یاران خود فرمود: به این ترتیب آن فرد عابد سخت گیر فردی را که وارد اسلام شده بود خودش از اسلام بیرون کرد. بنابراین شما همیشه متوجه این حقیقت هستید و باشد که بر مردم سخت نگیرید و به اندازه توان و طاقت مردم را در نظر داشته باشید تا می توانید کاری کنید که مردم متمایل به دین شوند و از دین فراری نشوند آیا نمی دانید که بنای دین اموی بر سخت گیری و شدت است ولی راه و روش ما بر نرمی و مدارا و حسن معاشرت و به دست آوردن دلها است. (۱۴۴)

در این زمینه آمر به معروف و ناهی از منکر باید از عفو و گذشت لازم هم برخوردار باشد و گناهکار را نسبت به گناه جری نگیرد بلکه به گذشت و عفو حق تعالی امید وار ساخت و به توبه و انقلاب درونی وا دارد. آیات ناظر بر این روش است :

لیس علیکم جناح فیها اخطاتم و لکن ما تعمدت قلوبکم و کان الله غفورا رحیما (۱۴۵)

در خطایی که از شما سر می زند گناهی بر شما نیست ولی آنچه را از روی عمد می گوئید (مورد مواخذه قرار خواهد گرفت) و خداوند آمرزنده و مهربان است .

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فشا غلیظ القلب لانفضوا من حولک (۱۴۶)

به برکت رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی ! و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند.

اذا جائک الذین یؤمنون بایاتنا فقل سلام علیکم متب ربکم علی النفسه الرحمه انه

من عمل منكم سوءا بجهالة ثم تاب من بعده واصلح فانه غفور رحيم (۱۴۷)

هر گاه کسانی به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند به آنها بگو: سلام بر شما پروردگارتان رحمت را بر خود فرض کرده است . هر کس از شما کاری را از روی نادانی کند آنگاه توبه کند و به صلح آید پس وی آمرزنده و مهربان است .

این آیات و روایات فراوان دیگر در این زمینه به ما یاد می دهد که در برخورد با مرتکبان منک رو تارکان معروف آنان را با ملایمت و مهربانی به عفو و رحمت خداوند امیدوار ساخته و از ارتکاب گناه پشیمان سازیم و طوری عمل نکنیم که آنان نسبت به گناه جری شوند و بر خطای خود اصرار ورزند و از روی تعصب عمل طشت خود را شهادت و شجاعت تلقی کنند.

۸-۱. شروع از نزدیکان

آمر به معروف و ناهی از منکر باید در مرحله اول باید بیشتر هم خود را بعد از خود سازی صرف اصلاح خود و خانواده و نزدیکان خود کند. اگر فردی نسبت به نزدیکان خود حساسیت کافی نشان دهد و در برابر اعمال بد آنان عکس العمل نشان داد و آنان را بیه انجام واجبات نیکو فرا خواند امر به معروف و نهی از منکر چنین فردی در سایر افراد نیز موثر است . از این جهت بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ابتدا به دعوت انذار خویشاوندان خود مامور گشت :

انذر عشیرتک الاقربین (۱۴۸)

همچنین در ابتدای بعثت (۱۴۹) خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواهد اهل خود را به نماز امر کند:

و امر اهلک

بدین ترتیب دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه در مرحله فراخوانی به توحید و چه در مرحله ادای واجبات از نزدیکان شروع شد.

آغاز دعوت و امر به معروف و نهی از منکر از نزدیکان دارای مزایای است از آن جمله :

۱. بر اساس این روش بر همگان روشن می شود که در دعوت دینی هیچ گونه تبعیضی وجود ندارد و کسی به بهانه قرابت و امر و نهی، معاف نمی شود بلکه باید ابتدا سراغ نزدیکان رفت. (۱۵۰)

گفتنی است که در بسیاری از موارد امر به معروف و نهی از منکر تاثیر لازم را ندارد، از آن جهه، است که مردم می بینند امر به معروف و ناهی از منکر حساسیت لازم را نسبت به نزدیکان خود ندارند و آنچه را برای دیگران عیب می دانند تذکر می دهند، در خانواده و نزدیکان خود می بینند و مسامحه می کند.

۲. هر کس بهتر و بیشتر از دیگران خانواده خود را می شناسد، نقاط ضعف و قدرت آنها را می داند از عوامل موثر در گمراهی آنها به خوبی آگاهی دارد و بهرت می داند آنها را با چه شیوه ای دعوت کند و از بدی باز دارد.

۳. زا آنجا که تعصبات بیجا و خودخواهی ها به طور معمول رد انسان وجود دارد و کمتر کسی می توان که از رسوبات چنین رذایلی پاک شده باشد، برای بسیاری از ما شنیدن نواقص و عیوبمان از زبان دیگر سخت و سنگین است و امر به معروف و نهی از منکر آنها را به دشواری تحمل می کنیم، در حالی که چنین برخورد

و روحیه ای در اعضای یک خانواده نسبت به همدیگر کمتر وجود دارد.

قرآن در مورد ستایش پیامبران بزرگ اسماعیل صادق الوعد، می فرماید:

در کتاب خود اسماعیل را یاد کن . او در وعده صادق و رسول و پیامبر (بزرگواری) بود، همیشه خانواده خود را به نماز و زکات دستور می داد و او در نزد خدا پسندیده بود. (۱۵۱)

در دستورات اسلامی نیز به این نکته توصیه شده است که ابتدا خانواده خود را دریابید:

یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا (۱۵۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده تان را از آتش جهنم حفظ کنید.

نجات خانواده از آتش جهنم چیزی جز، امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ زیرا فراتر از آن مسئولیتی بر دیگران وجود ندارد. در روایت است که وقتی این آیه شریفه نازل شد، یکی از مسلمانان می گریست و می گفت:

من از حفظ نجات خود عاجزم چگونه خانواده و اهل من را از آتش جهنم حفظ نمایم؟ پیامبر به او فرمود: آنچه را برای خود می خواهی آنها امر کن و آنچه را از خود دور می کنی آنها را نیز نهی کن (۱۵۳).

همچنین ابی بصیر از امام (علیه السلام) پرسید: چگونه می توانم طبق این آیه خانواده ایم را از آتش حفظ نمایم؟ حضرت فرمود:

آنها را به اوامر الهی فراخوان و از نواهی حق تعالی باز دار. در این صورت اگر از تو اطاعت کردند آنها را حفظ کرده ای و اگر اعتنایی به امر و نهی تو نکردند تکلیف خود را نسبت به آنها انجام داده ای (۱۵۴).

اگر امر به معروف و نهی از منکر شونده نسبت به آمر ناهی اعتماد داشته باشد آنان را به خیر خواهی و دوست بداند به از امر و نهی آنان متنبه می شود و خود را اصلاح می کند. پس آمر و ناهی باید زمینه های به وجود آمدن اعتماد و باور به خلوص صداقت و خیر خواهی خود را در او ایجاد کند و با قول و عمل به او بیاوراند که خیر خواه هستند و مصلحت او را می جویند و آنچه را می گویند از روی دل سوزی است. یکی از رموز موفقیت پیامبران الهی در همین نکته نهفته است که مردم می دانستند و یقین داشتند آنان در مدعای خود صادق هستند و در صدد منافع شخصی و مطالع دنیوی و مادی نیستند و منظوری جز اصلاح پیروان خود ندارند. نوح پیامبر به هنگام دعوت قوم خود به آنان اعلام کرد:

اببلغکم رسالات ربی و انا لکم ناصح امین (۱۵۵)

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و من خیر خواه و امنی برای شما هستم.

این سخن بسیاری از پیامبران است که به قوم خود ابلاغ کردند:

انی لکم رسول امین (۱۵۶)

من برای شما رسول امینی هستم.

اعلام پاداش ناخواهی پیامبران نیز از اقدامات آنان جهت اعتماد سازی است و با این اعلام قولی و عملی توانستند بسیاری را جلب کنند و آنان را از ظلم شرک و فساد بیزار گردانند:

و ما اسالکم علیه من اجر (۱۵۷)

و بر رسالت از شما مزدی نمی خواهیم.

یا قوم ... ما ارید ان اخالفکم انی ما انهاکم عنه ان ارید الا الاصلاح ما استطعت

ای قوم ...، من نمی خواهم در آنچه شما را از آن باز می دارم با شما مخالفت کنم (و خود مرتکب آن گردم). من قصدی جز اصلاح تا آنجا که بتوانم ندارم .

۱-۱۰. امر نهی استدلالی و منطقی

توضیح

در بسیاری از اوقات صرف امر و نهی کار ساز نیست و باید در ضمن آن فایده و ضرر آن را توضیح داد تا طرف مقابل انگیزه طاعت و پذیرش پیدا کند. وقتی واجبی را ترک کرده ، باید آثار و برکات انجام آن را متذکر شد و وقتی می خواهد حرامی را متذکر شود باید عواقب سوء آن را یاد آوری کرد.

بسیاری از مرتکبان منکر و تارکان معروف نسبت به عواقب آثار و پیامدهای منفی عمل خود آگاهی کافی ندارند یا متوجه آن نیستند. در چنین مواردی یاد آوری بسیار موثر است . به چند نمونه قرآنی در این مورد توجه می دهیم . قوم موسی (علیه السلام) از آن بزرگوار طلب خدای دیدنی و محسوس - بت - کردند و آن حضرت را در نهی آن فرمودند:

ان هولاء متبر ما هم فیه و باطل ما کانوا یعملون

قال اغیر الله ابغیکم الها و هو فضلکم علی العالمین (۱۵۹)

اینان (بت پرستان) سرانجام کارشان نابود است و آنچه انجام می دهند باطل است . (سپس) گفت : آیا غیر از خدا معبودی برای شما بطلبم ؟ خدایی که شما را بر جهانیان برتری داد.

فرعون و درباریانش برای رویارویی با موسی به شور و طرح نشستند و با مطرح کردن زمینه های واهی زمینه قتل او را می چینند. مردی مومن از درباریان به نهی آنان می پردازد و با استدلال

های متین عواقب این کار را توضیح می دهد(۱۶۰). روش این مومن در امر به معروف و نهی از منکر حاوی نکات بسیار جالبی است از جمله :

۱. وی در امر به معروف خود روش تقیه را پیشه گرفت و برای نهی آن جمع کافر متعصب در مرحله اول ایمان خود را کتمان کرد و اظهار پیروی از موسی و یکتاپرستی نکرد.

۲. مخاطبان را با لفظ یا قوم = ای قوم من خطاب کرد تا وابستگی، محبت و دلسوزی خود را نسبت به آنان یادآوری کرده تا زمینه پذیرش را در آنان ایجاد کند.

۳. از موسی در وهله اول با تعبیر رجلا = مردی یاد کرد تا در ظاهر اعلام کند که : او را نمی شناسم و رد نزد من از جایگاه و محبوبیت خاصی برخوردار نیست .

۴. در کلام خود، اول فرض دروغ گو بودن موسی را مطرح کرد و گفت : اگر آن مرد دروغگو باشد و راست گو باشد.... تا در آن حساسیتی ایجاد نشود و مطمئن شوند سخنان او از جهت طرفداری از موسی نیست .

۵. عواقب وخیم کفر و سرکشی با خدا و عناد با موسی را یادآوری کرد تا آنان را از مقابله با موسی باز دارد.

۶. سرگذشت اقوام و عاقبت وخیم سرکشی اقوام گذشته را یادآور شد. ۲. ویژگی های آمران به معروف و ناهیان از منکر

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه هر مسلمانی است و هیچ کس حق ندارد با داشتن توانایی لازم و با مشاهده امر معروف و یا عمل منکر از زیر بار این تکلیف بزرگ الهی

شانه خالی کند، لیکن وجود پاره ای از ویژگی ها باعث می شود بازده کار آمران به معروف و ناهیان منکر بیشتر شود. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

۲-۱ هماهنگی در گفتار و کردار

اجتناب از منکر و باز داشتن از آن ، دو وظیفه اسلامی شمرده می شود ولی بدون تردید در قدم نخست باید به اصلاح خود پرداخت ، سپس در صدد رفع عیوب دیگران بر آمد. امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید:

و انهو غیرکم عن المنکر و تناهوا عنه ، فانما امرتم بالنهی بعد التناهی (۱۶۱)

دیگران را از منکر نهی کنید و خود نیز از آن اجتناب نمایید ولی وظیفه نهی از منکر، پس از دوری خود شما از آن است .

سر این بیان علوی روشن است ، زیرا انسان ها قبلا از آن که به سخن یکدیگر گوش بسپارند به رفتار هم چشم می دوزند و بدون تردید آنچه را که در عمل می بینند به مراتب موثرتر از چیزی است که به زبان می شنوند. پس نهی از منکر در صورتی اثر بخش خواهد بود که دیگران را از دور خواهد کرد که آمر به معروف از سخن خود ایمان داشته و خود در مرحله اول به آن عمل کرده باشد. سخن اگر با عمل همراه نباشد نشانه دو رویی و بی امانی است و امر به معروف فرد به ایمان و دو رو بودن طبیعی موثر نخواهد بود. قرآن می فرماید:

کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله (۱۶۲)

شما بهترین امتی بودید که پدید آمدید - از این جهت که امر به معروف

و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

در آیه دیگری در تمجید از بعضی مومنان اهل کتاب آنان را چنین معرفی می کند:

ليسوا سواء من اهل الكتاب امه قائمه يتلون آيات الله اناء الليل و هم يسجدون * يومنون بالله و اليوم الآخر و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يسارعون في الخيرات و اولئك من الصالحين (۱۶۳)

آنها همه یکسان نیستند. از اهل کتاب جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند و پیوسته در اوقات شب آیات خدا را می خوانند در حالی که سجده می نمایند. و به خدا و روزگار دیگر ایمان می آورند امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در انجام کارهای نیک پیشی می گیرند و آنان از صالحانند

در این آیات آمران به معروف و ناهیان از منکر به وصف ایمان عبادت و سرعت در انجام اعمال صالح توصیف شده اند و این اوصاف حاکی از آن است که آنان قبل از اقدام به اصلاح دیگران از خود شروع کرده اند و اگر داعی و منادی به سوی کار خوب هستند خود نیز در عمل عامل به خوبی ها و تارک از بدی ها می باشند و بین کردار و گفتارشان منافات نمی باشد.

امام علی (علیه السلام) به اسوه آمران به معروف و ناهیان از منکر می فرماید:

ايها الناس اني والله ما احصكم على طاقه الا و اسبقكم اليها و لا انهاكم عن معصيه الا و اتناهي قبلكم عنها (۱۶۴)

یا مردم! به خدا قسم شما را به طاعتی سفارش نمی کنم مگر این که خودم قبل از شما آن

را انجام می دهم و هیچ گاه شما را از ارتکاب به معصیتی باز نمی دارم مگر آن که خودم قبلا خود آن را ترک می کنم .

حضرت امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید:

ان العالم اذا لم يعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما يزل المطر عن الصفا (۱۶۵)

عالمی که به مقتضای آگاهی خود عمل نکند موعظه اش (خیلی زود) از دل ها (ی شنوندگان) بیرون می رود همان گونه که باران بر سنگ صاف باقی نمی ماند.

هرگاه آمر به معروف و ناهی از منکر عامل نباشد با امر و نهی خود دین را به استهزاء گرفته است . از این رو قرآن به سرزنش کسانی پرداخته است که خود به سخنانشان عمل نمی کنند:

اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسكم و انتم تتلون الكتاب افلا تعقلون (۱۶۶)

آیا مردم را به نیکی امی می کنید. خودتان را فراموش می نمایید و کتاب (تورات) می خوانید. آیا نمی اندیشید.

آنچه در این آیه بیشتر جلب نظر می کند دو تعبیر است :

۱. تنسون انفسکم یعنی خودتان را فراموش می کنید. آنان که قبل از خود سازی به ارشاد دیگران می پردازند و با گذشت زمان به بیماری خود فراموشی مبتلا می گردند و بکلی از نفس خویش غافل می شوند، چشمانشان بر عیوب خودشان بسته می شود در حالی که پیوسته زشتی های دیگران را می بینند.

افلا تعقلون یعنی آنها نمی اندیشند؟ رفتار این گونه انسان ها نه تنها در خور سرزنش بلکه شگفت آور است زیرا با منطق عقل ناسازگار و در تضاد است . این بی خردی از آنجا ناشی می شود که

آنها می خواهند با امر به معروف می خواهند که دیگران را به کمال برسانند و از گمراهی برهانند در حالی که از نظر عقل نجات خود بر نجات دیگران مقدم است پس چرا عقل خود را به کار نمی گیرند؟ (افلا تعقلون)

اگر با امر به معروف و نهی از منکر در صدد اصلاح دیگرانند مگر نمی دانند با عمل خود آنها را به گناه تشویق می کنند؟ آیا در شیوه آنها تناقض نیست؟ و آیا افراد عاقل این گونه عمل می کنند؟ (افلا تعقلون)

مگر نه این است که اینان با رفتار خود تاثیر سخن خود را از بین می برند؟! مگر هیچ عاقلی زحمت تلاش خود (امر به معروف و نهی از منکر) را این گونه بر باد می دهد؟ آیا فکر و اندیشه ندارند؟ (افلا تعقلون)

این نکته هر چند متوجه دانشمندان یهود است ولی در حقیقت متوجه کسانی است که این رویه را پیشه خود ساخته اند و بین گفتار و رفتارشان فاصله و جدایی وجود دارد و به تعبیر فیض کاشانی این آیه در حق همه کسانی که از حق دم می زنند و به باطل عمل می کنند جاری است (۱۶۷)

قرآن کریم در این آیه دیگر مومنان را مورد خطاب قرار داده و بشدت توبیخ کرده است :

یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لم تفعلون * کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون (۱۶۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا آنچه را که عمل نمی کنید می گوئید این که سخنی بگوئید و انجام ندهید خداوند را به خشم می آورد.

۲-۲. اخلاص و تعهد

کسانی می توانند در امر

به معروف و نهی از منکر موفق باشند که هم اخلاص داشته باشند و هم فارغ طمع و چشم داست برای انجام وظیفه و اصلاح به امر و نهی همت گمارند و هم سوز تعهد نسبت به دیگران وجود آنان را گرفته باشد. رسول خدا باید اسوه همه آمران به معروف و ناهیان از منکر باشد. خداوند درباره سوز و تعهد آن بزرگوار می فرماید:

عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم (۱۶۹)

رنج های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مومنان رئوف و مهربان است .

لعلک باخع نفسک الا یكونوا مومنین (۱۷۰)

گویی می خواهی از شدت اندوه این که مومنان ایمانی نمی آورند جان خود را فدا کنی .

فلعلک باخع نفسک علی اثارهم ان لم یومنوا بهذا الحدیث اثفا (۱۷۱)

گویی اگر به این سخن ایمان نیاوردند تو خود را از اندوه در پیگیری (کار)شان هلاک کنی .

فلا تذهب نفسک علیهم حسرات ان الله علیم بما یصنعون (۱۷۲)

پس مبادا جانت به خاطر شدت تاسف بر آنان از بین برود. خداوند به آنچه را انجام می دهد دانا است .

پیامبر (صلی الله علیه و آله) با این سوز و گدازی که نسبت به هدایت خلق داشت از سر محبت و دلسوزی فقط برای انجام وظیفه و کسب رضایت خدا قیام کردند و به امر و نهی پرداختند و این سیره همه پیامبران بوده است . وقتی پیامبران الهی برای هدایت مردم وارد انطاکیه شدند و آنها را به توحید و نفی شرک دعوت کردند مورد تکذیب قرار گرفتند ولی ناگاه مردی دوان دوان از دورترین جای شهر سر

رسید و فریاد زد:

یا قوم اتبعوا المرسلین * اتبعوا من لا یسالکم اجرا و هم مهتدون (۱۷۳)

ای قوم من از فرستادگان خدا پیروی کنید از کسانی اطاعت کنید که از شما مزد نمی خواهند و خود هدایت یافته اند.

دو ویژگی اخلاص صداقت هم گون زبان و علم آن چنان بارز و موثر بود که مومن آل یس در هوا داری خود از رسولان به آن دو استناد کرد. مخالفان پیامبران میز سعی می کردند اخلاص پیامبران را نزد مردم خدشه دار کنند و آنان را طالبان مقام و موقعیت معرفی کرده اند و مردم را از گرویدن به آنها باز دارند:

فقال الملا الذین کفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلکم یرید ان یتفضل علیکم (۱۷۴)

اشراف کافر قوم نوح گفتند: این مرد بشری چون همانند شما نیست که می خواهد بر شما آقایی کند.

۲-۳. تحمل وسعه صدر

باز داشتن فردی از بدی و فرا خواندن او به سوی خوبی در واقع نوعی مقابله با امیال غریزی و خواسته های شهوانی اوست از این رو شنیدن و تحمل امر و نهی چندان به مذاق افراد خوشانید نیست و چه بسا موجب تمرد و لجاجت و واکنش منفی ایشان شود؛ وانگهی چون گنه کار توان برخورد با آمر و ناهی را ندارد در برخورد سالم و مستدل با او خود را محکوم می بیند و می کوشد تا با بهانه جویی و هتاک و توجیه گری جار و جنجال و گاهی با دروغ و تهمت آب را گل آلود و فضا را تاریک سازد و در این محیط غبار آلود زشتی گناه خود را کمرنگ نشان دهد و اگر توانست

حیثیت آمر و ناهی را خدشه دار کند.

اینها نمونه از مشکلات فراوانی است که آمران و ناهیان متعهد به مقتضای مسئولیت خطیری که بر عهده دارند با آن دست به گریبان هستند. این عزیزان اگر خدا ناخواسته افرادی ضعیف کم ظرفیت و زود خشم باشند و کینه توز باشند، هنوز دیگری را اصلاح نکرده خود سقوط می کنند. حساسیت و ظرفیت موضوع امر و نهی اقتضا می کند که آمر و ناهی علاوه بر کمک گرفتن از خدا بررسی دقیق جوانب قضایا و انجام اقدامات سنجیده و به موقع فردی دریا دل حلیم و پذیرای مشکلات بوده و در دشواری های در برخورد با دشمنان صبور باشد زود از کوره در نرود خود را نبازد و با حوادث پیش آمدها با سینه ایا باز و روحیه ای قوی و بالا برخورد کند.

انبیای الهی نیز اگر از نعمت ارزشمند سعه صدر برخوردار نبودند هرگز نمی توانستند از مسئولیت سنگینی که خداوند بر عهده شان نهادهاست بر آیند.

حضرت موسی (علیه السلام) پس از دریافت ماموریت الهی خویش در اولین درخواستی که از خداوند دارد به درگاه با عظمت او عرض می کند:

رب اشرح لی صدری (۱۷۵)

پروردگارا سینه ام را گشاده کن !

خداوند متعال نیز وقتی مهم ترین و گران بهاترین امدادهای خود را بر پیامبر بزرگوار اسلام یاد آوری می کند رد راس همه آنها از شرح صدر او نام می برد و می فرماید:

الم نشرح لك صدرک (۱۷۶)

آیا ما سینه تو را گشاده نساختم .

تحمل و سعه صدر خصلت و ویژگی های لازم و ضروری آمر به معروف ناهی از منکر است . برخورد پیامبران

را با سخنان ناروا و دشنام های مخالفان ملاحظه کنید:

لقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله مالكم من اله غيره اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم

قال الملا من قومه انا لنراك في ظلال مبين

قال يا قوم ليس بي ظلاله و لكني رسول من رب العالمين (۱۷۷)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس اشراف قومش به او گفتند: ما تو را در گمراهی آشکارا می بینیم و او گفت : ای قوم من هیچ گونه گمراهی در من نیست بلکه من فرستاده ای از طرف پروردگار جهانیانم .

والی عاد اخاهم هودا... قال الملا الذين كفروا من قومه انا لنراك في سفاهه و انا لنظنك من الكاذبين

قال يا قوم ليس بي سفاهه و لكني رسول من رب العالمين (۱۷۸)

به سوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم . - پس اشراف کافر قوم گفتند: ما تو را در سفاهت (سبک مغزی) می بینیم و مسلما تو را از دروغگویان می دانیم او گفت : ای قوم من مرا هیچ سفاهتی نیست و لکن من فرستاده پروردگار جهانیانم .

ولقد كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا واوذوا (۱۷۹)

پیامبرانی قبل از تو تکذیب و دروغگو شمرده شدند پس بر این تکذیب ها و آزارها صبر و استقامت داشته کردند.

۲-۴. پابندی به حدود الهی

امر به معروف نهی از منکر دو واجب با اهمیت هستند که باید به طور صحیح انجام گیرد. اگر انجام دهنده این دو واجب در حال انجام وظیفه ضوابط و حدود شرعی را لحاظ نکند کار او حتی تاثیر منفی خواهد داشت . منکرات یا پنهان صورت می گیرد یا آشکارا در ملا

عام؛ در صورتی که ارتکاب منکر علنی باشد بر همه مسلمانان واجب است با وجود شرایط مرتکب را نهی کنند و چنانچه اقدام عملی لازم بود افراد حکومت باید دخالت کنند و مرتکب را از ارتکاب باز دارند و اما اگر ارتکاب منکر در خفا و پنهانی باشد دو صورت دارد:

الف: گناهی است که آثار سوء آن فقط متوجه انجام دهنده آن می شود و به مصابح عمومی و اجتماعی خلل و نقصی وارد نمی سازد در چنین صورتی افراد مسلمان حق دارند تجسس کرده و این جرائم را کشف نموده و جلوی آن را بگیرند قرآن می فرماید:

یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا (۱۸۰)

ای مومنان از بسیاری از گمان ها دوری کنید زیرا بعضی از گمان ها گناهند و تجسس نکنید.

ب): گناهان و جرایمی که در صورت وقوع زیان آنها علاوه بر انجام دهنده دامنگیر عموم یا بخشی از آحاد جامعه نیز می شود مثل دزدی رشوه خواری توطئه علیه نظام و... در این قبیل موارد باید با رعایت مراتب امر به معروف اقدام کرد و اطلاعات خود را در اختیار ماموران حکومتی نیز قرار داد تا اقدام لازم انجام دهند.

اگر آمر و ناهی بدون رعایت حدود و ضوابط فوق اقدام کنند عمل او قطعاً نتیجه منفی خواهد داشت .

فصل چهارم: عوامل و عواقب بی اعتنایی به امر به معروف و نهی از منکر

۱- عوامل بی اعتنایی به مسئولیت های اجتماعی

پس از روشن شدن اهمیت و ارزش امر به معروف نهی از منکر این سوال مطرح است که چرا بسیاری از مسلمانان توجه و اهتمام لازم به این اصل اسلامی را ندارد نه برای جلوگیری از

مفاسد و منکرات اقدام به نهی از منکر می کنند و نه برای تحقق خوبی ها امر به معروف می کنند؟

بر اساس بینش قرآن کریم در بین آحاد امت اسلامی رابطه و پیوند ولایت وجود دارد و مومنان اولیای یکدیگرند این رو باید پیوسته در صدد اصلاح یکدیگر و امر به معروف و نهی از منکر باشند:

و المومنون والمومنات بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنکر (۱۸۱)

مردان مومن و زنان مومن بعضی اولیای یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

در این آیه شریفه خداوند تمام مومنان را با تفاوت هایی از نظر جنس (مرد و زن) دارند. دارای یک حقیقت می داند و آن این که هیچ گونه اختلاف و تفرقه ای در میان آنها وجود ندارد و نشانه آن این است که هر کدام نسبت به یکدیگر احساس وظیفه و مسئولیت کرده و برای او تلاش می کند. پس امر به معروف و نهی از منکر برخاسته از رشته ولایت است که اعضای جامعه را به هم پیوند می دهد. این ولایت روحی است که پیکر امت اسلامی را به وحدت می رساند. (۱۸۲)

با همه این تأکیدات کم نیستند کسانی که خود را مسلمان می دانند لیکن از مسائل جامعه اسلامی با بی تفاوتی عبور می کنند همان ها که امیر المومنین (علیه السلام) از آنها به میت تعبیر می کند:

و منهم تارک لانکار المنکر بلسانه و قلبه و یده فذلک میت الاحیاء (۱۸۳)

و برخی از آنها منکر را با قلب و زبان و دست انکار نمی کنند و پس او مرده زندگان است .

همان گونه که رشد تنفس

و واکنش در برابر عوامل بیرونی از علا-یم حیات طبیعی موجود زنده تلقی می شود حیات انسانی نیز دارای علامت هایی از جمله برخورد انکارآمیز با زشتی است . آنان که هیچ گونه احساس و تکلیفی در مقابل مفسد ندارد مرده اند مردگانی که در بین زندگان راه می روند. چنین افرادی دارای شخصیت متعادل انسانی نیستند و روح آنها واژگون است :

فمن لم يعرف بقلبه معروفا و لم ينكر منكر قلب فجعل اعلاه اسفله و اسفله اعلاه (۱۸۴)

آن کسی که با قلب خویش کار پسندیده ای را (به پسندیدگی) نشناخت و منکر را انکار کرد وارونه گردید و بالایش پایین و پائینش بالا قرار گرفته است (استحاله شده و حقایق را درست نمی فهمد)؟!

بشی اعتنایی به مسئولیت های اجتماعی عوامل گوناگونی دارد که برخی ریشه در ضعف بینش های فکری و برخی ریشه در ضعف شخصیت روحی دارند. در این جا به ذکر برخی از آنها می پردازیم ؟

۱-۱. ترس از ضررهای مالی و جانی

آنان که حفظ خود را برتر از کیان اسلامی و بالاتر می دانند و هر امر به معروف و نهی از منکر برایشان صدمه ای به همراه داشته باشد و در آن احتمال خطری بدهند عقب نشینی می کنند و لب فرو می بندند. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

يكون في آخر الزمان القوم يتبع فيهم قوم مروان يتقرون و يتنسكون حدثاء سفهاء لا يجبون امرا بمعروف و لا نهيا عن منكر الا اذا امنوا الضرر يطلبون لانفسهم الرخص و المغادر يتبعون زلاه العلماء و فساد عملهم يقبلون على الصلاه و الصيام و ما لا يكلمهم في نفس و

لا مال و لو اضررت الصلاة لسائر ما يعملون و اموالهم و ابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمى الفرائض و اشرفها (۱۸۵)

المحتسب من نصبه الامام او نائبه للنظر فى احوال الرعيه و الكشف عن امورهم مصالحهم (۱۲۸)

محتسب فردی است که از طرف امام یا از طرف نائب او به منظور بررسی وضع مردم و رسیدگی به امور آنان نصب می شود.

بین محتسب که مامور بررسی امر به معروف و نهی از منکر است با دیگر مسلمانان که به امر به معروف و نهی از منکر می پردازند از جهاتی تفاوت وجود دارد:

۱. محتسب با توجه به مسئولیتی که از سوی حاکم مسلمانان پیدا کرده است امر به معروف و نهی از منکر برای او واجب عینی شمرده می شود ولی برای دیگران واجب کفایی است .

۲. محتسب برای انجام این وظیفه نسب شده است ولی دیگران منصوب نیستند.

۳. محتسب با توجه به حکم ماموریت خود حق دارد پیرامون منکرات علنی به تحقیق پردازد و عوامل آن را مورد بررسی قرار دهد در حالی که دیگران تنها به امر و نهی بسنده می کنند.

۴. محتسب حق تعزیر گناهان و تنبیه بدنی او را ندارد و دیگران چنین اجازه ای ندارند.

۵. محتسب می تواند در مقابل انجام مسئولیت های محوله از بیت المال حقوق دریافت کند. (۱۲۹)

اینک این سوال مطرح می شود که اگر مامورین حکومت به وظیفه خود عمل نکردند و رسالت امر به معروف و نهی از منکر را به خوبی انجام ندادند مسلمانان چه وظیفه دارند؟ آیا آنان فقط باید به امر و نهی با زبان بسنده کنند؟ یا اجازه دارند که خود با برخورد با منکرات

قیام نمایند؟ رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت آیت امام خمینی رضوان الله علیه در وصیت نامه خود وظیفه امت حزب الله را تبیین نموده اند:

از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالفت با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود هم مسئول می باشند و مردم و جوانان حزب حزب الهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نموده به دست گاه های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف بر جلوگیری هستند. (۱۳۰)

پی نوشتها

۱۲۳۵۱

۱- بحار الانوار علامه مجلسی ج ۷۵ (ص) ۳۸ چاپ بیروت

۲- آل عمران (۳) آیه ۱۰۴

۳- مجادله (۵۸) آیه ۲۲

۴- النمیزان علامه طباطبایی ج ۳، (ص) ۳۷۲

۵- النمیزان علامه طباطبایی ج ۳، (ص) ۳۷۲

۶- از این آیه می فهمیم که ما بهترین امت نیستیم چون آمر به معروفو ناهی از منکر نیستیم . در نتیجه نمی توانیم ادعای شرف و بزرگی کنیم (حماسه حسینی ج ۲، (ص) ۴۹

۷- تفسیر قمی ج ۱ (ص) ۱۱۰ پ

۸- النمیزان علامه طباطبایی ج ۳، (ص) ۳۷۲

۹- همان آیه ۱۵۷

۱۰- ترجمه المیزان ج ۸ ص ۳۶۵ با خذف بعضی از عبارات

۱۱- حج (۲۲) آیه ۴۱

۱۲- مستدرک الوسائل محدث نوری ج ۱۲، ص ۱۷۹

۱۳- نهج البلاغه صبحی صالح کلمات قصار شماره ۳۷۴ ص ۵۴۲ اهل سنت نیز این سخن از پیامبر (صلی الله علیه وآله) را نقل کرده اند محجه البیضا ج ۴۵ ص ۹۹

۱۴- شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی ج ۵، ص ۴۳

۱۵- فروع کافی کلینی ج ۵ ص ۵۵

۱۶- وسائل الشیعه شیخ حر عاملی ج ۱۱

۱۷- عنكبوت (۲۹) آیه ۴۵

۱۸- نهج البلاغه صبحی صالح کلمات قصار کلام ۳۱

۱۹- شرح غرر الحکم و درر الحکم جمال الدین خوانساری ج ۴، ص ۵۱۸

۲۰- وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۳۹۵

۲۱- نحل (۱۶) آیه ۳۶

۲۲- هود (۱۱) آیه ۸۵-۸۴

۲۳- همان آیه ۸۸

۲۴- حدید (۵۷) آیه ۲۵

۲۵- اصلواتک تامرک ان ... اوان نفعل فی اموالنا ما نشاء (هود) آیه ۸۷

۲۶- آل عمران (۳) آیه ۱۱۳-۱۱۴

۲۷- آل عمران (۳) آیه ۱۱۳-۱۱۴

۲۸- اعراف (۷) آیه ۱۶۵

۲۹-

لقمان (۳) آیه ۱۷

۳۰- حواریون از مصدر تحویر و از ریشه حور به معنای سفیدی خالص است . حوارالثوب یعنی آن را پاک و تمیز کرد. اصحاب خالصو مخلص حضرت عیسی (علیه السلام) را حواری نامیده اند چون آنها شغلشان لباس شویی بود و یا همانند لباس شویی ها نفوس مردم را از گناه و پلیدی پاک می کردند همچنان که حدیث متن نیز بر این معنا دلالت دارد (مجمع البحرین ص ۲۴۴)

۳۱- وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۴۰۵

۳۲- هود (۱۱) آیه ۱۱۶

۳۳- مائده (۵) آیه ۷۸-۷۹

۳۴- تناهی (تفاعل از نهی) به معنای هم دیگر را نهی کردنو باز داشتن است. (جوامع الجوامع طبرسی ج ۱ ص ۳۴۶ تفسیر کبیر فخر رازی ج ۱۲، ص ۶۴)

۳۵- میزان الحکمه ری شهری ج ۶ ص ۲۵۵

۳۶- مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۸

۳۷- برای توضیح ارزش بیشتر ارزنده بهحماسه حسینی ج ۲، ص ۴۳۳۸- و ۱۳۰ ۱۳۱- مراجعه کنید

۳۸- تحف العقول ابن سعبه حرانی احمد جنتی ص ۲۸۲ با اندک تغییر

۳۹- ارشاد شیخ مفید ص ۲۶۸

۴۰- ر.ک. شخصیت ی قیامن زید بن علی رضوی اردکان ض ۱۱۸ -

۴۱- بحار الانوار ج ۴۶ ص ۱۹۴

۴۲- مقاتل الطالین ابو الفرج اصفهانی ص ۳۰۴

۴۳- همان ص ۳۰۲

۴۴- ر.ک . جواهر کلام محمد حسن نجفی ج ۲۱ ص ۳۶۶

۴۵- مفردات داغب اصفهانی ص ۳۳۱

۴۶- المفردات القرآن فی المجمع البیان الیاس کلانتری ص ۲۵۵

۴۷- مجمع البحرین طریحی ج ۳ (ص) ۱۵۸ دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۴۸- حماسه حسینی مرتضی مطهری ج ۲، (ص) ۷۷

۴۹- تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ (ص) ۴۶۳

۵۰- شمس (۹۱) آیات ۸ و ۷

۵۱- مائده (۵) آیه ۲: ترجمه: بر نیکی و تقوا همکاری کنید و بر گناه و هر آنچه که موجب دشمنی است همکاری نکنید

۵۲- المیزان ج ۵، (ص) ۱۹۰

۵۳- جهان بینی اسلامی مرتضی مطهری ص ۲۵۶

۵۴- الرحمن (۵۵) آیه ۶۰

۵۵- ملک (۶۷) آیه ۱۰

۵۶- ر.ک . جهان بینی اسلامی مرتضی مطهری ص ۴۳- ۴۷

۵۷- ر.ک . جواهر کلام ج ۱۳ (ص) ۳۰۱

۵۸- اسراء (۱۷) آیه ۳۶

۵۹- الحیاه محمد رضا حکیمی ج ۱، (ص) ۳۴

۶۰- ظاهراً چون تحت کفالت و سرپرستی عمویش بزرگ شده و او را پدر خطاب می کرده است .

۶۱- مریم (۱۹) آهی ۴۳

۶۲- یوسف (۱۲) آیه ۱۰۸

۶۳- اسراء (۱۷) آیه ۳۶

۶۴- بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۹۳

۶۵- تحریر الوسیله ج ۱ ص ۴۰۰

۶۶- همان ص ۴۲۸

۶۷- تحریر الوسیله ج ۱، ص ۴۶۷

۶۸- طه (۲۰) آیه ۴۴

۶۹- اعراف (۷) آیه ۱۶۴

۷۰- همان

۷۱- تحریر الوسیله ج ۱، ص ۴۶۷ مساله ۱

۷۲- تحریر الوسیله ج ۱ ص ۴۶۹

۷۳- انفال (۸) آیه ۶۰

۷۴- ر.ک . تحریر الوسیله ج ۱، ص ۴۷۰ - ۴۷۱

۷۵- بقره آیه ۱۹۵ با داستان خود خود را به هلاکت نیندازید

۷۶- مجمع البیان طبرسی ج

۷۷- تفسیر المیزان ج ۲، ص ۶۴

۷۸- همان ص ۷۴

۷۹- حماسه حسینی ج ۲ ص ۱۲۸ و ۱۲۹

۸۰- تحریر الوسيله ج ۱، ص ۴۰۶

۸۱- لقمان (۳۱) آیه ۱۷ در برابر مصیبت‌هایی که به تو می رسد صبر کن که ز این کهرهای مهم است

۸۲- تفسیر صافی فیض کاشانی ج ۲، ص ۲۱۲

۸۳- بقره (۲) آیه ۲۰۷

۸۴- مجمع البیان ج ۱ ص ۳۰۱

۸۵- یس (۳۶) آیات ۱۳- ۲۷

۸۶- مقتل الحسین خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۸

۸۷- تاریخ طبری ج ۷ ص ۳۰۰ مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۲۳۴

۸۸- یس (۳۶) آیات ۱۳- ۲۷

۸۹- صف (۶۱) آیه ۲۱۲

۹۰- جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.

۹۱- ر.ک. . تحریر الوسيله امام خمینی ج ۱ ص ۴۶۷

۹۲- فروع کافی کلینی ج ۵ ص ۵۹

۹۳- انعام (۶) آیات ۶۸ و ۶۹

۹۴- تفسیر قمی ج ۱، ص ۲۰۴

۹۵- واقفیه گروهی از اصحاب امام هفتم بودند که گفتند: خداوند امام هفتم را به آسمان برده و او قائم آخر الزمان است

۹۶- البرهان فی التفسیر القرآن بحرانی ج ۱، ص ۴۲۳

۹۷- نساء (۴) آیه ۱۴۰

۹۸- المیزان طباطبایی ج ۵، ص ۱۱۶

۹۹- نساء (۴) آیه ۱۴۰

۱۰۰- محجه البيضاء فیض کاشانی ج ۴، ص ۱۰۵

۱۰۱- کافی کلینی ج ۵، ص ۵۸

۱۰۲- تحریر الوسيله ج ۱، ص ۴۷۷

۱۰۳- وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۴۱۳

۱۰۴- طه (۲۰) آیات ۴۳، ۴۴

۱۰۵- فرهنگ و تهاجم فرهنگی سازمن مدارك فرهنگي انقلاب ص ۲۳۰

۱۰۶- تحریر الوسيله ج ۱، ص ۴۷۸ و ۴۷۹

۱۰۷- نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۱۰۸ البته اجثر شارحان نهج البلاغه این کلام را وصف امام شمرده اند در این صورت نیز این وصف به طریق اولی

به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر می گردد چون او افضل از امامان است

۱۰۸- حماسه حسینی ج ۲، ص ۹۶

۱۰۹- تحریر الوسيله ج ۱، ص ۴۸۰ و ۴۸۱

۱۱۰- اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری ج ۱ ص ۳۳۷

۱۱۱- تحریر الوسيله ج ۱، ص ۴۱۰

۱۱۲- حماسه حسینی ج ۲، (ص) ۹۴

۱۱۳- وسائل الشیعه ج ۱۱ (ص) ۴۰۳

۱۱۴- نهج البلاغه صبحی صالح حکمت ۳۷۲

۱۱۵- وسائل الشیعه ج ۱۷ (ص) ۳

۱۱۶- حج (۲۲) آیه ۴۱

۱۱۷- جواهر کلام ج ۲۱، (ص) ۳۸۱

۱۱۸- آلا الرحمن بلاغی ج ۱، ص ۳۲۵

۱۱۹- نهج البلاغه نامه ۵۳

۱۲۰- همان کلام ۱۳۱

۱۲۱- نهج السعاده محمد باقر محمودی ج ۲ ص ۲۲۷

۱۲۲- حج (۲۲) آیه ۴۱

۱۲۳- همان آیه ۱۰۴

۲۳۷۶۱۲۴

۱۲۴- بنابراین که من در آیه شریفه تَبَيُّضُهُ بِأَشَدِّ حُجَّتٍ أَنْ يَكُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ (ر.ک) . تبیان شیخ طوسی ج ۲، ص ۵۴۸

مجمع البیان طبرسی ج ۱ ص ۴۸۳

١٢٥- مفردات القرآن فى المجمع البيان ص ٢١

١٢٦- المنار رشيد رضا ج ٤، ص ٤٥ به نقل از فى ضلال القرآن شيد قطب ج ١ ص ٤٤٤

١٢٧- آلا الرحمن بلاغى ج ١ ص ٣٢٤

١٢٨- مفردات القرآن فى المجمع البيان ص ٢١

١٢٩- الاحكام السلطانيه قاضى ابو يعلى ص ٢٨٤

١٣٠- صحيفه نور ج ٢١ ص ١٩٥

١٣١- تفسير عياشى ج ١ ص ٨٦

١٣٢- بحار الانوار ج ٧١، ص ٣٤٠

١٣٣- تحرير الوسيله ج ١ ص ٤٠٣

١٣٤- نور (٢٤) آيه ٣٢

١٣٥- هود (١١) آيه ٧٨

١٣٦- حماسه حسيني ج ٢، ص ٩٩ - ١٠٠

١٣٧- شرح غرر الحكم ج ٣، ص ٢٨٥

١٣٨- وسائل الشيعة شيخ حر عاملي ج ١١ ص ٤٠٤

١٣٩- مقنعه شيخ مفيد ص ٧٩١

١٤٠- داستان و راستان

شهید مطهری ج ۱ ص ۱۷۳ و ۱۷۴

۱۴۱- بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۸۶ در ملامت قصد ملامت کننده سر کوب کردن و سرشکسته کردن طرف مقابل است نه اصلاح او

۱۴۲- انعام (۶) آیه ۱۰۸

۱۴۳- نهج البلاغه جطبه ۱۹۷ ص ۶۵۹

۱۴۴- داستان راستان ص ۷۳ به نقل از وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۲۷ و ۴۳۰

۱۴۵- احزاب (۳۳) آیه ۵

۱۴۶- آل عمران (۳) آیه ۱۵۹

۱۴۷- انعام (۶) آیه ۵۴

۱۴۸- شعراء (۲۶) آیه ۲۱۴

۱۴۹- المیزان ج ۱۴، ص ۲۳۹

۱۵۰- المیزان ج ۱۵ (ص) ۳۲۹

۱۵۱- مریم (۱۹) آیات ۵۴-۵۳

۱۵۲- تحریم (۶۶) آیه ۶

۱۵۳- وسائل الشیعه ج ۱۱ (ص) ۴۱۸ المیزان ج ۱۹ (ص) ۱۴۱

۱۵۴- همان

۱۵۵- اعراف (۷) آیه ۶۸

۱۵۶- شعراء (۲۶) آیات ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۸

۱۵۷- همان آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰

۱۵۸- هود (۱۱) آیه ۸۸

۱۵۹- اعراف (۷) آیه ۱۳۹ و ۱۴۰

۱۶۰- مومن (۴۰) آیه ۲۸ - ۴۵

۱۶۱- نهج البلاغه خطبه ۱۰۴ ص ۳۱۲ (جمله آخر خطبه)

۱۶۲- آل عمران (۳) آیه ۱۱۰

۱۶۳- همان آیه ۱۱۳، ۱۱۴

۱۶۴- نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۱۷۴ ص ۵۶۴

۱۶۵- اصول کافی ج ۱، ص ۴۴

۱۶۶- بقره (۲) آیه ۴۴

۱۶۷- تفسیر صافی ج ۱ ص ۸۶

۱۶۸- صف (۶۱) آیات ۳ و ۲

۱۶۹- توبه (۹) آیه ۱۲۸

۱۷۰- شعراء (۲۶) آیه ۳

۱۷۱- کهف (۱۸) آیه ۶

۱۷۲- فاطر (۳۵) آیه ۸

۱۷۳- یس (۳۶) آیه ۲۰ ۲۱

۱۷۴- مومنون (۲۳) آیه ۲۴

۱۷۵- طه (۲۰) آیه ۲۵

۱۷۶- انشراح (۹۴) آیه ۱

۱۷۷- اعراف (۷) آیه های ۵۹ - ۶۱

۱۷۸- همان آیه ۶۵ - ۶۷

١٧٩- انعام (٦) آيه ٣٤

١٨٠- حجرات (٤٩) آيه ١٢

١٨١- توبه (٩) آيه ٧١

١٨٢- الميزان ج ص ٣٣٨

١٨٣- نهج البلاغه صبحى صالح كلمات قصار

۱۸۴- همان کلام ۳۷۵

۱۸۵- فروغ کافی ج ۵، ص ۵۵ و سائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۹

۱۸۶- نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۲۷

۱۸۷- بحار الانوار ج ۲۲، ص ۳۹۸

۱۸۸- همان ص ۴۱۵

۱۸۹- مدرس علی مدرس ج ۱ ص ۱۷۹

۱۹۰- بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۸۵ و ۸۶

۱۹۱- نهج البلاغه حکمت ۱۰۷ (ص) ۱۱۳۷

۱۹۲- بحار الانوار ج ۴۵ (ص) ۱۳۷

۱۹۳- وسائل الشیعه ج ۱۱ (ص) ۴۲۲

۱۹۴- هزار و یک نکته حسن حسن زاده آملی (ص) ۷۴۶

۱۹۵- المیزان ج ۳، (ص) ۱۴۱ به نقل از ارشاد شیخ مفید

۱۹۶- همان (ص) ۱۴۲

۱۹۷- انسان و سرنوشت مرتضی مطهری (ص) ۱۹

۱۹۸- تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱۱ (ص) ۴۲

۱۹۹- روم (۳۰) آیه ۴۱

۲۰۰- عنکبوت (۲۹) آیه ۴۰

۲۰۱- دهر (۷۶) آیه ۳

۲۰۲- حماسه حسینی مرتضی مطهری ج ۲ (ص) ۵۳

۲۰۳- صحیفه نور ج ۲۰، (ص) ۱۹۶

۲۰۴- همان (ص) ۱۹۸

۲۰۵- قیام انقلاب مهدی (عج) شهید مطهری (ص) ۶۸-۶۱ تلخیص

۲۰۶- نور (۲۴) آیه ۵۵

۲۰۷- مستدرک الوسایا ج ۱۲، (ص) ۱۸۳

۲۰۸- جامعه و تاریخ مرتضی مطهری (ص) ۱۲

۲۰۹- نهج البلاغه حکمت ۳۷۵

۲۱۰- توبه (۹) آیه ۱۲۸

۲۱۱- کهف (۱۸) آیه ۶

۲۱۲- جهان بینی اسلامی ص ۳۰۴

۲۱۳- لئالی الاخبار محمد نبی تویسرکانی ج ۵، ص ۲۶۳

۲۱۴- اعراف (۷) آیه ۱۶۵ و ۱۶۶

۲۱۵- بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۷۵

۲۱۶- تفسیر صافی فیض کاشانی ج ۱ ص ۲۸۷

۲۱۷- نهج البلاغه خطبه ۱۲۹

۲۱۸- وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۴۰۷

۲۱۹- نور (۲۴) آیه ۱۹

۲۲۰- المیزان ج ۱۵ ص ۱۰۵

۲۲۱- اسراء (۱۷) آیه ۱۶، انعام (۶) آیه ۶ هود (۱۱) آیه ۱۱۷ اعراف (۷) آیه ۹۶

۲۲۲- اعراف (۷) آیه ۱۶۵

۴۴ پیرامون سنت استدراج به المیران ج ۸ ص ۱۹۵ و ۳۴۶ مراجعه کنید

۲۲۴- اسراء (۱۷) آیه ۱۶

۲۲۵- نمل (۲۷) آیه ۵۲ قصص (۲۸) آیه ۴۰

۲۲۶- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۵۱۲ و ۵۱۳

۲۲۷- اعراف (۷) آیه ۹۶

۲۲۸- المیزان ج ص ۱۹۵ ۱۹۶

۲۲۹- روم (۳۰) آیه ۴۱

۲۳۰- شوری (۴۲) آیه ۳۰

۲۳۱- رعد (۱۳) آیه ۱۱

۲۳۲- المیزان ج ۸ ص ۱۹۵ و ۱۹۹ تلخیص

۲۳۳- ر.ک . سبا (۳۴) آیات ۱۵ تا ۲۱

۲۳۴- خاطره سقوط اندلس احمد رائف ترجمه محمد رضا انصاری ص ۷۸-۷۹-۸۷

۲۳۵- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۴

۲۳۶- حماسه حسینی مرتضی مطهری ج ۲ ص ۴۵

۲۳۷- نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۱۶۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹